اولین و یگانه روزنامه تخصصی معدن و صنایع معدنی ایران

روزگار معدن

www.Madandaily.com

یکشنبه • ۱۳ آذر ۱۴۰۱ • ۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ • ۴ دسامبر ۲۰۲۲ • سال پنجم • شماره ۹۷۳ • ۸صفحه • قیمت ۳۰۰۰ تومان



چرا قوانین، تسهیل کننده فعالیت‌های اقتصادی نیستند؟

نقش حاکمیت قانون در نظم‌بخشی به بخش‌های گوناگون جامعه از سیاست گرفته تا اقتصاد به‌قدری بدیهی است که کسی نمی‌تواند منکر آن شود. در این میان، قوانین حوزه اقتصاد به‌واسطه جامعه هدف گسترده و بخش عظیمی که زیر چتر آن گرد هم می‌آیند و تاثیر قابل‌توجهی که بر رفاه مردمان یک کشور دارند باید با تیزبینی و دقت بیشتری تصویب شوند...

۲



سرگیجه صنعتگران از قوانین ضدتولید

در میان انبوهی از قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌هایی که به‌منظور فعالیت‌های اقتصادی در کشور وجود دارد، دو قانون یعنی قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و قانون رفع موانع تولید، به‌طور خاص به‌منظور تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی و نیز مشارکت بخش خصوصی تصویب و ابلاغ شده است، اما آنچه تاکنون از کارکردهای این دو قانون برمی‌آید، نشان می‌دهد...

۸

تاکید فعالان بخش معدن و صنایع معدنی برای تسهیل امور اجرایی

مقررات‌زدایی در دستور کار قرار گیرد

۶



عکس: روزگار معدن

یادداشت‌ها



نقش پررنگ قانون‌گذار در یک مصوبه مالیاتی

۳



برای «تغییر اقلیم» در قانون اساسی جا باز کنید

۴



ضرورت نظارت بر اجرای قانون

۶



تامین امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری

۶

گزارش روز

دولت به‌عملکرد بخش خصوصی اعتماد کند

بخش خصوصی با تغییر نگاه و استراتژی‌های خود ورود به حوزه‌های تخصصی را آغاز کرده است که می‌تواند سرعت توسعه در بخش معدن و صنایع معدنی را افزایش دهد. در این بین، شرکت پویا انرژی می‌تواند در حوزه تامین برق مانند یک ناجی برای صنعت فولاد کشور ایفای نقش کند. صنعت برق ...

۸

سرمقاله

لزوم ایجاد نظام تنظیم‌گری در صنعت و بازار خودرو



امیرحسن کاکایی
عضو هیات علمی
دانشگاه علم و صنعت

این روزها صحبت‌های زیادی درباره واگذاری سهام دولت در دو خودروسازی به بخش خصوصی مطرح می‌شود، این در حالی است که از نظر قانونی این دو خودروساز خصوصی هستند و باید طبق قانون تجارت عمل کنند، اما دولت‌ها با دخالت‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود درباره برنامه‌های اجرایی خودروسازان، به‌ویژه با قیمت‌گذاری دستوری، در عمل به‌ویژه در ۵سال گذشته، به سهامداران و مردم ضربه وارد کرده‌اند.

دولت هم‌اکنون نخست باید با واگذاری سهام تودلی، به‌نوعی جلوی مسیر غیرقانونی مالکیت و مدیریت قبلی را بگیرد. اما سوال اینجاست که با واگذاری مالکیت، آیا حاکمیت راضی به قبول مدیریت بخش خصوصی می‌شود؟ واقعا با خصوصی‌سازی، دنبال چه چیزی است؟ از نظر ظاهری خصوصی‌سازی ابزاری است برای افزایش بهره‌وری و قدرت رقابت‌پذیری، اما آنچه در شرکت‌های صنعتی بزرگ شاهد بوده‌ایم این است که خصوصی‌سازی ابزاری برای تامین پول در مقاطعی خاص، واگذاری مسئولیت به بخش خصوصی و البته ادامه مسیر مدیریت دستوری صنعت و بازار بوده است. البته بدون ورود به جزئیات می‌توانم ادعا کنم خصوصی‌سازی در صنایع بزرگ در عمل باعث افزایش معنی‌دار رقابت‌پذیری برمبنای معیارهای بین‌المللی و عملی نشده است.

ادامه در صفحه ۲





سرمقاله

لزوم ایجاد نظام تنظیم‌گری در صنعت و بازار خودرو

ادامه از صفحه اول

حال که دو خودروسازی با سیاست‌گذاری‌های دولتی در ۵ سال گذشته به خاک سیاه نشسته و همچنان دولت و مجلس روی سیاست‌های خود به‌ویژه سیاست قیمت‌گذاری و استانداردسازی‌های نامناسب پافشاری می‌کنند، چگونه قرار است با ادامه این سیاست‌ها در کنار تحریم‌های بین‌المللی که منجر به تحمیل بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان زیان به آن دو شده، کاملا خصوصی و همزمان با جبران زیان، رقابت‌پذیر شوند، قیمت خودرو را پایین بیاورند، به استانداردهای روز اروپا برسند و خودرو اقتصادی برای همگان ارائه دهند؟ این دو شرکت چه دارند که قرار است بخش خصوصی زیر بار زیان بالای ۳ میلیارد دلاری آنها برود؟ مطمئنم اگر این مقاله به دست دولتمردان برسد، هزارویک دلیل می‌آورند که اشتباه می‌کنم. امیدوارم این‌گونه باشد، اما واقعیت این است که با فرض اینکه سرمایه‌دارانی پیدا شوند که بخواهند مالکیت و مدیریت این دو خودروساز را تقبل کنند، همچنان نظام با چند مشکل بزرگ در صنعت خودرو روبه‌رو است که نخستین آن رویاپردازی بیش از حد مسئولان و عدم‌مسئولیت‌پذیری در قبال این رویاپردازی‌هاست. به‌عنوان مثال، استاندارد یورو ۵ را حاکم می‌کنیم، اما از تامین بنزین آن عاجز هستیم. اقتصادی‌ترین خودروها را از چرخه تولید حذف و مردم دهک‌های پایین را هر روز بیش از پیش از آرزوی خودردار شدن دور می‌کنیم و آن وقت دنبال تولید خودرو ارزان هستیم. در برنامه‌ها به‌دنبال افزایش توانمندی فناورانه در زنجیره تامین هستیم و از سوی دیگر، به اسم تولید، تیراژ خودروهای مونتاژی به‌سرعت بالا می‌رود و روزبه‌روز از آرزوی خود، یعنی توسعه توانمندی کل زنجیره خودروسازی دور می‌شویم. اما اگر بخواهیم مشکلات را حل کنیم، مسائل زیاد است. قطعا نقطه شروع، واگذاری سهام تودرتوی دو خودروساز، قبول مالکیت خصوصی و حذف قیمت‌گذاری دستوری غلط است. این فقط دو شرط لازم و بدیهی برای تخریب نشدن بیشتر صنعت است. مشکل اصلی کشور در زمینه صنعت خودرو نبود یک نظام تنظیم‌گری کامل، منسجم، شفاف و اجرایی است که اولا مشخص کند چه چیزی را در این صنعت مطلوب می‌دانیم؛ نهادها، سازمان‌ها و در کل نظام حاکمیت، دارای چه اختیارات و از آن مهم‌تر مسئولیت‌هایی در راستای رسیدن به آن مطلوب هستند؛ وقتی یک نهاد یا سازمان به تعهدات خود در قبال برنامه عمل نکرد و به صنعت و بازار ضربه زد، چگونه باید خسارت بدهد؛ مسئولی که بالای سر آن سازمان است چگونه تنبیه شود یا برعکس، اگر کار خیلی بهتر پیش رفت، چگونه از او تشکر شود؛ کفایت اختیارات و مسئولیت‌های هر نهاد چگونه تعیین می‌شود؛ انسجام نهادی و اجرایی توسط چه نهادی کنترل و هدایت می‌شود و در زنجیره نهادی، کدام نهاد هدایتگر اصلی و کدام یک فرانبردار آن نهاد مرکزی هستند؟ در این نظام تنظیم‌گری منسجم و هدفمند، جایگاه نظام اقتصادی کجاست و اگر شاخص‌های خاص مانند قیمت ارز خلاف پیش‌بینی‌ها و خارج از عرف بالا و پایین رفت، چه اتفاقی می‌افتد؟ مسئولیت‌های سرمایه‌گذار و مدیر صنعتی چیست و تا کجا ادامه دارد؟ آیا وقتی قیمت ارز معنی‌دار بالا می‌رود، باز هم صنعت باید مسئولیت پایین نگه‌داشتن قیمت‌ها را برعهده داشته باشد؟ در بازار غیررقابتی کالایی مانند ورق فولادی بدنه خودرو، اگر تامین‌کننده در کیفیت یا زمان و مقدار تامین خلف وعده کرد، چه کسی و با چه سیستمی از سرمایه‌گذار، کارآفرین و مدیر صنعتی حمایت می‌کند؟ اگر مالک خودروسازی تصمیم به تعطیلی یک سایت زیانده داخلی یا خارجی گرفت، چه مجوزهایی از چه سازمان‌هایی باید بگیرد؟ چه کسی از کارگران بیکارشده حمایت می‌کند؟ آیا کارآفرین صنعت اجازه دارد حقوق‌های نجومی بدهد یا برعکس، یک فرد ناکارآمد را اخراج کند؟ آیا مالکان جدید دو خودروسازی اصلی اجازه دارند افراد ناکارآمد سفارشی را بدون نگرانی از دخالت‌های سیاسیون اخراج کنند؟ در چه صورت کارآفرین متخلف به‌شمار می‌رود؟ اگر از ۵۰ هزار کارگر، هزار نفر بیرون ریختند و مسئله امنیتی برای شهر یا کشور به‌وجود آوردند، نظام قضایی، امنیتی و انتظامی چقدر پشتیبان کارآفرین و مالک است؟ نظام و خدمات فروش در راستای نظام تولید است؟ آیا هر فروشنده خارجی هر وقت بخواهد می‌تواند وارد بازار و هر وقت بخواهد خارج شود و پشت سرش را هم نگاه نکند؟ مالکیت معنوی و فکری چه جایگاهی دارد؟ اصولا توسعه فناوری در داخل مهم‌تر است یا عرضه محصول با کیفیت‌تر بدون توجه به میزان ارزبری و وابستگی به کشورهای خارجی؟ توازن تعرفه‌ها، قیمت ارز، مالیات و بیمه و عوارض را چه کسی تضمین می‌کند؟ این اعداد و ارقام تا چه مدت قابل‌اطمینان و ثابت هستند؟ اگر به دلایلی سیاسی، یکی از این ارکان، تغییر ناگهانی کرد، چه کسی زیان سرمایه‌گذاران را جبران می‌کند؟

البته شاید افرادی ازسوی حاکمیت بگویند که همه این موارد در قوانین هست و هر کدام از نهادها مسئولیتی دارند و قطعا هم در ۹۹ درصد موارد حق با آنهاست، اما می‌توانم به‌جرأت بگویم که موارد موجود در بسیاری از جنبه‌ها با هم تناقض دارند و مسئولان و نهادها عمدتا پاسخگو نیستند. اصلا پاسخگویی در برخی موارد تعریف نشده، چه برسد که بخواهیم پاسخی از مسئولی دریافت کنیم. از آن مهم‌تر جزیره‌ای عمل کردن این مسئولان و نهادها و سازمان‌هاست. به‌عنوان مثال، وزارت صنعت، معدن و تجارت ده‌ها برنامه تحول طراحی کرده، اما اصولا چند وزارتخانه عمل و از آن حمایت می‌کنند؟ در دنیای رقابتی امروز، با برنامه‌های متعدد دولت‌ها و نظام‌های اقتصادی بزرگ برای افزایش قدرت رقابت در صنعت خودرو دنیا، عملا نه‌تنها برنامه‌ها و قوانین باید همراستا باشند، بلکه باید در راستای تحولات سهمگین موردنیاز، تسهیلگر و تامین‌کننده نیازمندی‌های ساختاری، نهادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی و فنی باشند. تا چنین نظام تنظیم‌گری ایجاد نشود، برنامه‌های دولت و حاکمیت عمدتا ابتر خواهد ماند و مجددا ما را به دامن مونتاژکاری و وابستگی بی‌حدوحصر فناورانه خواهد انداخت.

در گفت‌وگو با کارشناسان مطرح شد:

چرا قوانین، تسهیل کننده فعالیت‌های اقتصادی نیستند؟

شهناز صفایی

نقش حاکمیت قانون در نظم‌بخشی به بخش‌های گوناگون جامعه از سیاست گرفته تا اقتصاد به‌قدری بدیهی است که کسی نمی‌تواند منکر آن شود.

در این میان، قوانین حوزه اقتصاد به‌واسطه جامعه هدف گسترده و بخش عظیمی که زیر چتر آن گرد هم می‌آیند و تاثیر قابل‌توجهی که بر رفاه مردمان یک کشور دارند باید با تیزبینی و دقت بیشتری تصویب شوند و به اجرا در آیند.

هر قانونی با هر میزان شمول، در اجرا تاثیرگذار خواهد بود و رفتارهای افراد جامعه را در ابعاد گوناگون هدایت خواهد کرد.

در واقع، یکی از بدترین شرایطی که می‌توان برای یک کشور تصور کرد، نبود قانونی است که باید باشد و در مقابل، وجود قوانین متضاد و مزاحم است. قانون‌گذار باید توجه ویژه‌ای به قوانینی که مصوب می‌کند، داشته باشد تا با هدف ذاتی آنکه نظم‌بخشی، حمایت و هدایت است در تناقض نباشد؛ بنابراین می‌توان گفت وظیفه مجلس از قانون‌گذاری شروع می‌شود و در یک فرآیند پیگیرانه با نظارت بر اجرای مصوبات در یک چرخه ادامه دارد.

«روزگار معدن» به بهانه روز قانون اساسی درباره اقدامات مجلس که وظیفه اصلی قانون‌گذاری را برعهده دارد و باید در راستای کمک به اقتصاد و صنعت کشور حرکت کند و همچنین انتظارات صنعتگران از قانون‌گذاران، با برخی از صاحب‌نظران گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌آید.



عکس: روزگار معدن

> صنعت از تورم قوانین و قوانین ناکارآمد، مزاحم و متضاد رنج می‌برد و خلأهای زیادی که در این بخش وجود دارد باعث شده صنعتگر در یک فضای مبهم سردرگم شود

تورم قوانین معضل بزرگ کشور است



ابوالفضل روغنی‌گلپایگانی، کارشناس و فعال حوزه صنعت درباره قوانین تسهیل‌کننده فضای کار بخش صنعت کشور در گفت‌وگو با «روزگار معدن» گفت: براساس بررسی‌هایی که انجام‌شده، کشور ما، یکی از کشورهایی است که مشکل تورم و تعدد قوانین دارد که معضل بزرگی است و باید موردتوجه متولیان امر قرار گیرد و اصلاح شود؛ از این‌رو به‌ناچار باید به‌دنبال قانون‌زدایی باشیم.

روغنی‌گلپایگانی در ادامه افزود: روند قانون‌زدایی یعنی کاهش قوانینی که مزاحم کسب‌وکار، تولید و فعالیت صنعتگران هستند، شروع شده که مسئولیت پیگیری و اجرای آن هم بر عهده وزارت امور اقتصادی و دارایی است. در این راستا، تیم‌های متعددی تشکیل و با بررسی‌های متعدد مشخص شده وزارتخانه‌های گوناگون چه قوانین زائد و بازدارنده‌ای دارند تا بازنگری‌های اساسی در این زمینه انجام شود و در واقع قوانین مزاحم حذف و برخی از قوانین دیگر اصلاح و در آنها بازنگری شود.

روغنی‌گلپایگانی با اشاره به لزوم بازنگری در برخی از قوانین مصوب و اینکه باید هر چند سال یک بار بازنگری‌هایی در این بخش انجام دهیم، اظهار کرد: علت اینکه برخی از قوانین نیاز به اصلاح و بازنگری دارند می‌تواند به انجام نشدن کار کارشناسی در زمان تصویب آنها برگردد و اینکه برخی از قوانین فقط در مقطع زمانی خاصی تاثیرگذار هستند و با گذر از شرایط خاص باید اصلاح یا حذف شوند، چون در شرایط خاص، تصمیماتی را می‌گیریم که در شرایط دیگر باید آنها را تغییر دهیم.

در نهایت اینکه کشور ما جزو کشورهایی در جهان است که از لحاظ تنوع و در واقع تعدد قوانین، شرایط مناسبی ندارد.

وی در ادامه اظهار کرد: موضوع دوم، وجود قوانین بسیار زیاد در راستای تسهیل حوزه کسب‌وکار است که می‌توانند تاثیرات خوبی داشته باشند، اما به محاق رفته‌اند.

در واقع، این قوانین یا اصلا به‌کار گرفته نمی‌شوند یا اینکه در شرایط مطلوبی اجرا نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، قانون حمایت از تولید یا بهبود فضای کسب‌وکار که سال‌هاست نوشته و مصوب شده، اما هنوز آیین‌نامه‌های اجرایی آنها در دست دولت است و بسیاری از کارهای مربوط به این قانون در کشور انجام نشده است.

▣ کار کارشناسی در اولویت

روغنی‌گلپایگانی درباره انتظار صنعتگران از مجلس به‌عنوان قانون‌گذار اظهار کرد: بنابر آنچه گفته شد انتظار از مجلس این است که اولا در قانون‌گذاری به‌ویژه در قوانین مربوط به فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، حتما با کارشناسان مشورت کند و بعد از مشورت، کار کارشناسی انجام دهد؛ یعنی انتظار می‌رود مجلس در روند قانون‌گذاری در یک فرآیند منطقی و گام‌به‌گام، نظرات تیم کارشناسی حرفه‌ای و تمام ذی‌نفعان را جویا شود، این نظرات را با قوانین دیگر تطبیق دهد، قدری با قوانین جهانی مقایسه کند و در نهایت آنها را تصویب کند. این اولین انتظار صنعتگران از مجلس و قانون‌گذار است.

وی ادامه داد: دومین انتظار از مجلس این است که در تصویب قوانین عجله نکند. در این زمینه معتقدم مجلس تا حدودی در تصویب برخی از قوانین عجله می‌کند و مسائل سیاسی و گاه غیرکارشناسی را چاشنی و مبنای تصمیم‌گیری خود قرار می‌دهد که رویکرد درستی نیست. واقعیت این است که باید قانون را از مر قانون ببینیم و براساس آن قوانین را وضع کنیم.

البته منظور این نیست که به ملاحظات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توجه نکنیم، قطعا باید این ابعاد هم موردتوجه قانون‌گذار باشد و قوانین بالادستی و پایین‌دستی بالانس شوند. این وظیفه مرکز پژوهش‌های مجلس است که روی این موضوع تمرکز و به ابعاد گوناگون تاثیرگذاری یک قانون توجه کند.

روغنی‌گلپایگانی با اشاره به وظیفه مرکز پژوهش‌های مجلس و نقش تاثیرگذاری که دارد، اظهار کرد: یکی از موارد مهمی که روی آن تاکید دارم، این است که مرکز پژوهش‌های مجلس حتما روی قوانین کار کارشناسی انجام دهد. البته در بسیاری از موارد این کار انجام می‌شود، اما بهتر است این مسئله با صرف وقت و بررسی‌های بیشتری پیگیری شود و در این زمینه، پیشنهاد من این است که مرکز پژوهش‌های مجلس با مراکز پژوهشی دانشگاه‌ها، بخش صنعت، بخش بازرگانی و... ارتباط بیشتری برقرار کند تا قانونی که وضع می‌کند، جامع‌ومانع باشد. البته باید مرکز پژوهش‌ها به این موضوع نیز توجه کند که عمر قوانین خیلی طولانی نیست و در همه جای دنیا، بازنگری و بازبینی قوانین به‌طور مستمر انجام می‌شود.

وی افزود: بخش دیگری که در این زمینه می‌توان به آن اشاره کرد، قوانین مربوط به حوزه کسب‌وکار است. در این بخش شاهد تعدد قوانین و مصوبات مزاحم هستیم. وزارت اقتصاد مسئول شناسایی قوانین مزاحم در فضای کسب‌وکار در بخش‌های گوناگون است تا در آنها بازنگری و اصلاح کند. تعداد چنین قوانینی کم نیست. به‌عنوان نمونه در وزارت جهاد کشاورزی حدود ۳۰۰ قانون مربوط به کسب‌وکارها شناسایی شد که در بازبینی و کار کارشناسی مشخص شد زمان برخی از این قوانین گذشته و باید بروزرسانی شوند. در ادامه این بررسی‌ها فقط ۷۰ قانون باقی ماند و حدود ۲۳۰ قانون مزاحم حذف شد.

روغنی‌گلپایگانی در پایان اظهار کرد: بخش صنعت ما از تورم قوانین و قوانین ناکارآمد، مزاحم و متضاد رنج می‌برد و خلأهای زیادی که در این بخش وجود دارد باعث شده صنعتگر و تولیدکننده در یک فضای مبهم سردرگم شوند. لازم به یادآوری است که نتیجه مطلوب زمانی محقق می‌شود که قانون‌گذار کار کارشناسی و مشورت را در اولویت قرار دهد و بیشتر بر آن تمرکز داشته باشد و در ادامه از نظارت بر اجرای مصوبات غفلت نورزد.

در اجرای قانون ضعف داریم



سیدجواد حسینی‌کیا، عضو کمیسیون صنعت مجلس یازدهم نیز در این باره در گفت‌وگو با «روزگار معدن» گفت: مجلس برای حمایت از بخش صنعت و در نهایت تحقق توسعه اقتصادی کشور از هیچ تلاشی فروگذار نکرده و در این راستا، ریل‌گذاری‌های بسیار خوبی انجام داده؛ از این‌رو مشکلاتی که وجود دارد بیشتر مربوط به اجرای این قوانین است. به‌عنوان نمونه، قانون‌گذار مصوب کرده ۴۰ درصد منابع بانکی به سمت تولید و اشتغال برود، اما در این زمینه بانک‌ها کوتاهی می‌کنند و قوانینی را که مصوب شده تا کسب‌وکارها و روند فعالیت واحدهای تولیدی تسهیل شود به بهانه‌های گوناگون اجرا نمی‌کنند. بسیاری از قوانین اگر اجرا شوند، قطعا تاثیرات بسیار مثبتی خواهند داشت.

حسینی‌کیا افزود: مثال دوم مربوط به قانون تسهیل صدور مجوزهاست. این قانونی جامع و کامل است که مجلس برای رفع بیکار تصویب کرده و گام بلندی در حوزه کسب‌وکارها و اشتغال کشور و تسهیل مسیر فعالیت فعالان بخش صنعت است، اما در اجرای آن ضعیف عمل شده است. طبق این قانون، مجلس بانک مرکزی را موظف کرده منابعی را به بخش صنعت کشور اختصاص دهد تا به این بخش کمک شود. وی ادامه داد: در بودجه هم ردیف‌های خوبی به حمایت از بخش صنعت اختصاص داده شده، اما کمتر تخصیص داده می‌شوند که گاهی دلیل آن به متولیان امر اجرا برمی‌گردد.

قانون‌گذار نقش نظارتی هم دارد



محمدرضا نجفی‌منش، فعال حوزه صنعت در گفت‌وگو با «روزگار معدن» با اشاره به اهمیت قانون‌گذاری در کشور اظهار کرد: شکی نیست که مجلس نقش کلیدی و حساسی در تدوین قوانین دارد. مجلس تاکنون برای حمایت از بخش صنعت بیش از ۷۰ قانون را مصوب کرده، اما به‌گفته رئیس کمیسیون صنایع و معادن مجلس، متاسفانه فقط ۳۵ درصد این قوانین اجرایی و ۶۵ درصد آنها فقط تصویب شده و به مرحله اجرا نرسیده است.

نجفی‌منش در ادامه گفت: نباید فراموش کنیم که مجلس علاوه بر قانون‌گذاری، نقش نظارتی هم دارد. در این راستا، به اعضای کمیسیون جهش تولید و اصل ۴۴ مجلس پیشنهاد دادیم کمیته‌ای تشکیل دهند تا مسئولان و دست‌اندرکاران درباره دلایل اجرایی نشدن برخی از قوانین پاسخگو باشند و به‌طور دقیق مشخص شود چرا برخی از قوانین اجرا نشده‌اند.

اگر این اقدام انجام شود، هم متولیان امر به‌ویژه مجریان و هم مجلس که قانون‌گذار است، پاسخگو خواهند بود و در مواردی که نیاز به بازبینی و اصلاح برخی از قوانین وجود دارد، این اقدامات انجام می‌شود. در این صورت است که مسیر حرکت صنعت هموار و اهدافی که در تصویب قوانین مستتر است، محقق می‌شود.

این فعال حوزه صنعت افزود: اگر تمام قوانینی که داریم را به‌خوبی اجرا و در ادامه، در زمینه تامین نیازهای قانونی که داریم، اقدام کنیم، روند تاثیرگذاری خواهد بود. در حال حاضر شاهد وجود قوانین خوبی در بخش صنعت هستیم که متاسفانه درست اجرا نشده‌اند.

در این شرایط، تصویب قانون جدید منطق مناسبی ندارد و باید در گام نخست مشکل یادشده برطرف شود.

▣ بازنگری در قوانین

این فعال حوزه صنعت اظهار کرد: دومین موضوعی که لازم می‌دانم بر آن تاکید کنم، بازنگری در قوانینی است که متناسب با شرایط فعلی حوزه صنعت نیست.

نجفی‌منش در ادامه درباره انتظاراتی که صنعتگران از قانون‌گذار دارند، گفت: مجلس به‌عنوان قانون‌گذار باید فضای کسب‌وکار کشور را تسهیل کند. این موضوعی است که بارها بر آن تاکید شده، اما همواره در این زمینه خلأهایی وجود دارد و انتظار می‌رود مجلس شورای اسلامی، علاوه بر قوانینی که در این باره باید تصویب کند، بر اجرای آنها نیز نظارت داشته باشد تا صنعتگر در فضایی باثبات و شفاف فعالیت کند و صنعت، تولید و صادرات کشور توسعه یابد.

نجفی‌منش درباره اقدامات مجلس برای کمک به بخش صنعت در وضعیت کنونی کشور، افزود: مجلس برای اینکه در شرایط خاص نقش خود را در اقتصاد به‌ویژه صنعت کشور ایفا کند، در درجه نخست باید در قوانینی که به‌عنوان قوانین مزاحم فعالیت صنعتگران شناخته می‌شوند مانند ماده ۳۸ قانون تامین اجتماعی بازنگری و آنها را اصلاح کند.

این ماده قانونی حدود ۵۰ سال پیش برای مقاطع‌کاری نوشته شد که بعدها به تمام فعالیت‌های صنعتی بسط داده شد و گرفتاری‌هایی را برای این بخش درست کرد؛ بر همین اساس باید قوانین قدیمی بررسی و در مواردی که مانعی در مسیر حرکت صنعت کشور هستند، بازنگری و اصلاح شوند.

این اقدامی مهم و ضروری است که همواره از مجلس انتظار می‌رود به بهترین نحو آن را انجام دهد.

وی در ادامه اظهار کرد: مجلس باید بر اجرای درست قوانینی که مصوب کرده هم نظارت داشته باشد. در این زمینه بر استفاده از نظر کارشناسان در قانون‌گذاری هم تاکید می‌شود.

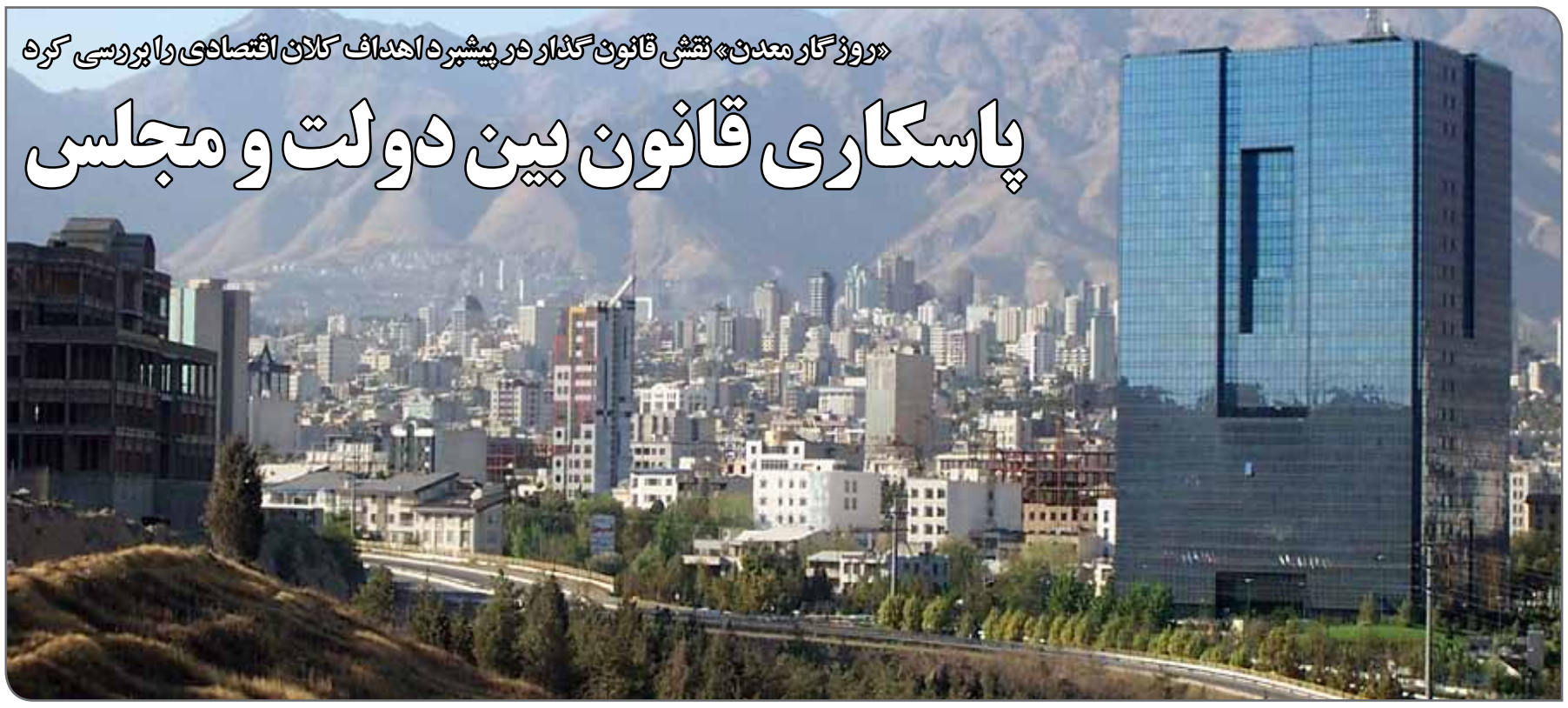
ماده ۲ و ۳ قانون بهبود فضای کسب‌وکار هم می‌گوید اگر می‌خواهید قوانین جدید بگذارید باید نظر مشورتی دست‌اندرکاران این بخش را جویا شوید.

مثلا قانون‌گذار برای تصویب قوانین مربوط به بودجه سالانه باید از نظرات فعالان و نمایندگان بخش خصوصی بیشتر استفاده کند و توجه بیشتری به نظرات کارشناسی آنها داشته باشد.

البته مجلس قوانین خوبی مانند قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار، قانون حداکثر استفاده از توان تولید داخل، قانون رفع موانع تولید و... برای تسهیل فعالیت صنعتگران دارد، اما باید به دقت اجرایی شوند و نظارت درستی بر روند اجرای آنها باشد تا تاثیرگذار باشند.

سخن پایانی

قانون‌گذار با تصویب قوانین صنعتی همواره تاکید دارد که در راستای کمک به صنعتگر گام برمی‌دارد، اما در مواردی شاهدیم که صنعتگر از وجود قانونی مزاحم که نباید باشد یا نبود قانونی راهگشا که باید باشد، گلایه دارد. پای صحبت‌های هر کدام که بنشینید، حرف‌هایی برای گفتن دارند و از دید کارشناسانه به دقت زوایای گوناگون کارشان را تجزیه‌وتحلیل می‌کنند؛ از این‌رو این سوال مطرح می‌شود که چرا بازخورد نظراتی که درباره وظیفه یکدیگر دارند، به گوش دیگری نمی‌رسد؟ به‌راستی مشکل کجاست؟



«روزگار معدن» نقش قانون‌گذار در پیشبرد اهداف کلان اقتصادی را بررسی کرد

پاسکاری قانون بین دولت و مجلس

مریم غدیرپور

ابتدای امسال طرح اصلاح ساختار بانک مرکزی در دستور کار مجلس قرار گرفت. این طرح در ابتدا در مجلس دهم تدوین شده بود، اما به‌دلیل برخی حساسیت‌ها به سرانجام نرسید. این بار قانون‌گذاران عزم خود را جزم کرده‌اند تا این طرح را پس از اصلاحات در کمیسیون اقتصادی به صحن علنی مجلس ببرند. با این حال با اینکه کمتر از ۴ ماه به پایان سال باقی مانده، همچنان تصویب این طرح در هاله‌ای از ابهام است. استقلال بانک مرکزی از جمله مولفه‌هایی است که کارشناسان اقتصادی از دیرباز بر لزوم آن تاکید دارند و این استقلال در دل اصلاح ساختار بانک مرکزی گنجانده شده است. در ارزیابی‌های مربوط به استقلال بانک مرکزی، استقلال ظاهری و واقعی مطرح است. استقلال ظاهری بانک بیشتر به چارچوب قانونی و آنچه در متن قوانین برای نحوه عملکرد و ارتباط بانک با سایر نهادها به‌ویژه دولت طرح‌ریزی شده، بازمی‌گردد و به آن استقلال قانونی نیز می‌گویند. استقلال رسمی یا قانونی بانک مرکزی عبارت است از میزان اختیاراتی که قانون‌گذار طبق نص صریح قانون به بانک مرکزی اعطا کرده است. اصلاح ساختار بانک مرکزی نقش کلیدی در تغییر مولفه‌های کلان اقتصاد از جمله مسائل مربوط به چک، شفافیت حساب بانکی، کنترل تورم و... دارد.

> موضوع اصلاح نظام بانکی در سال‌های اخیر در دولت‌های مختلف همواره مطرح بوده، اما در دولت‌های گذشته، عملکرد و نتیجه قابل‌قبولی در این زمینه حاصل نشده است

«روزگار معدن» به‌بهانه روز قانون اساسی جمهوری اسلامی با تکیه بر اهمیت قانون در ساماندهی اقتصاد به بررسی قوانین مرتبط با حوزه پولی و بانکی از نگاه بهارستان‌نشینان پرداخته است.

رضایت بانک مرکزی هنوز جلب نشده است



مهدی طغیانی، سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در رابطه با نقش مجلس در اصلاح ساختار بانکی به «روزگار معدن» گفت: طرح تحول نظام بانکی در دولت‌های قبل هم مطرح بوده و منجر به اصلاحاتی از جانب بانک مرکزی شده، اما هرگز کافی نبوده و حتی رضایت بانک مرکزی را هم در پی نداشته است.

وی افزود: موضوع اصلاح نظام بانکی همواره در سال‌های اخیر در دولت‌های مختلف مطرح بوده، اما در دولت‌های گذشته، عملکرد و نتیجه قابل‌قبولی دراین زمینه حاصل نشده است. حال در دولت سیزدهم و تیم اقتصادی جدید، این مسئله مهم بانکی دوباره در حال مطرح شدن است.

▣ سپرده‌ها، بودجه دوم دولت

این نماینده مردم در خانه ملت ضمن انتقاد به واگذاری‌های ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی گفت: در آن زمان مبنا بر این بود که انحصار و دست‌درازی‌های تکلیفی دولت بر سپرده‌های مردم به‌عنوان بودجه دوم از بین برود، اما همچنان شاهد دست‌اندازی دولت بر دارایی بانک‌ها هستیم؛ بنابراین هر چه سریع‌تر باید اصلاح ساختار بانک مرکزی در دستور کار صحن علنی قرار گیرد تا این نهاد به‌طور کامل از دولت مستقل شود.

▣ اصلاح ساختار و تولید

طغیانی خاطرنشان کرد: اصلاح ساختار بانکی باید به‌گونه‌ای باشد که تسهیلات و پول کشور به بخش تولید برود و موجب افزایش تولید، رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال در کشور شود.

همچنین باعث رونق سفته‌بازی و بورس‌بازی در کشور نشود و احیانا خود بانک‌ها دست به نگاهداری برای کسب سود بیشتر نزنند.

▣ همه مزایای یک اصلاح

وی در بیان مزایای تصویب طرح تحول نظام بانکی اظهار کرد: اصلاح ساختار بانکی جلوی ایجاد تورم را می‌گیرد؛ همچنین باعث می‌شود جلوی فساد، تبعیض، رانت‌خواری و توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد در جامعه از طریق قوانین پیشگیرانه، گرفته شود.

سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس در ادامه یادآور شد: در شرایط تورمی فعلی و اصلاح نشدن ساختار بانکی هر کسی بتواند منابع بیشتری از شبکه بانکی دریافت کند، با کاهش قدرت خرید و بازگرداندن آسان‌تر آن صاحب ثروت هنگفتی از محل بهره‌گیری از منابع باقدرت خرید بالا و بازگشت منابع باقدرت خرید پایین خواهد شد.

این نماینده مردم در خانه ملت با اشاره به اینکه اصلاح ساختار بانکی نیاز به الزامات بیرونی هم دارد، توضیح داد: لازم است سایر نهادهای دولتی از جمله وزارت اقتصاد، استقلال بانک مرکزی را به‌رسمیت بشناسد. نهادهای دولتی باید در برنامه‌ریزی‌های پولی و مالی دست‌شان را از جیب بانک مرکزی بیرون بکشند.

▣ اصلاح ساختاری و برنامه هفتم

طغیانی با اشاره به اهداف سند هفتم توسعه تصریح کرد: مهم‌ترین قسمت برنامه هفتم توسعه، طرح اصلاح قانون بانک مرکزی است که براساس آن رئیس کل بانک مرکزی می‌تواند در سیاست‌گذاری‌ها نسبت به قبل مستقل‌تر عمل کند و ابزارهای این کار مانند نظارت بر بانک‌ها هم در اختیار این نهاد قرار داده خواهد شد تا بتواند با نظارت مناسب به‌طور لازم و کافی اهداف موردنظر از جمله کنترل نقدینگی و تورم را دنبال کند؛ بنابراین تعجیل در تصویب طرح اصلاح ساختاری قانون بانک مرکزی می‌تواند قدمی برای به نتیجه رسیدن اهداف بانکی در سند توسعه هفتم باشد. این نماینده مردم در خانه ملت خاطرنشان کرد: در طرح اصلاح ساختار بانک مرکزی استقلال این بانک از دولت بیشتر شده و بدون تصمیم هیات امنا یا هیات مدیره بانک مرکزی امکان استقراض دولت از این بانک وجود ندارد.

طغیانی خاطرنشان کرد: در صورت تبدیل‌شدن این طرح به قانون دیگر دولت‌ها نخواهند توانست به اختیار و با دستور خود از بانک مرکزی استقراض کنند. همچنین این طرح گام نخست استقلال بانک مرکزی از دولت است که موجب شفافیت عملکرد این نهاد و همچنین کنترل بازار ارز و ایجاد انضباط مالی در ساختار بانکی کشور می‌شود.

▣ تورم و اصلاح ساختار

این نماینده مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه با برداشت دولت‌ها از منابع ارزی بانک مرکزی زمینه ایجاد تورم در کشور فراهم می‌شود، گفت: با قانونی شدن طرح اصلاح ساختار بانکی، دولت به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند به منابع ارزی بانک مرکزی بدون داشتن مجوز قانونی دست‌اندازی کند.

این نماینده مردم در خانه ملت در تشریح لزوم اصلاح ساختار بانکی و اهمیت آن برای قانون‌گذار توضیح داد: بنا بر اطلاعات موجود، قانون بانک مرکزی از سال ۵۱ تاکنون بر نظام پولی و مالی کشور حاکم و قرار است طرح مذکور به بانک مرکزی کمک کند تا بتواند نظام بانکی را در مسیر تولید هدایت کند.

همچنین این طرح قرار است استقلال نسبی برای این نهاد به‌وجود بیاورد تا بتواند سیاست‌گذاری‌های بهتری انجام دهد؛ بنابراین لازم است قانون‌گذار بازنگری‌های لازم را در این طرح انجام دهد تا براساس آن دولت نتواند با تصمیمات یک‌شبه مثل حذف ارز ترجیحی تبعات سنگین مالی به مردم تحمیل کند.

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزود: این طرح، سیاست‌گذاری پولی بانک مرکزی را تقویت می‌کند و در نهایت به کنترل تورم که مهمان ناخوانده ۴۰ ساله اقتصاد کشور است، می‌انجامد و کاهش التهابات اقتصادی را به ارمغان می‌آورد.

نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها بیشتر می‌شود



سید ناصر موسوی لارگانی، عضو کمیسیون اقتصادی درباره نقش مجلس در اصلاح ساختار بانکی به «روزگار معدن» گفت: مهم‌ترین قسمت طرح اصلاح قانون بانک مرکزی این است که رئیس کل بانک مرکزی در سیاست‌گذاری‌ها می‌تواند نسبت به قبل مستقل‌تر عمل کند و ابزارهای این کار از جمله نظارت بر بانک‌ها هم در اختیار بانک مرکزی قرار داده خواهد شد تا بتواند با اصلاحاتی در بانک مرکزی انجام شود و سپس درصدد رفع ابهامات و چالش‌های طرح برآید. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس محاسبه نرخ سود و اخذ جریمه از دیرکرد پرداخت اقساط بانکی را یکی از مسائل طرح پیشین و موجود بیان کرد و گفت: رویه محاسبه نرخ سود مرکب باید اصلاح شود و اعضای کمیسیون اقتصادی هم در وهله اول می‌خواهند که سود مرکب نباشد.

▣ ابهامات اصلاح ساختار

وی درباره الزامات و ابهامات مربوط به قانون اصلاح ساختار بانکی گفت: تاکنون سه جلسه در فراکسیون راهبردی مجلس و چندین جلسه در وزارت اقتصاد با حضور نمایندگانی از سه قوه درباره اصلاح نظام بانکی تشکیل شده که در ادامه این جلسات قرار است یک جلسه هم در قم و برای رفع ابهامات در موضوع سود مرکب بانکی برگزار و نظرات آیات عظام درباره سوالات مربوط به این مسئله مانند اینکه آیا بانک‌ها مجازند جریمه سود مرکب را بگیرند یا خیر؟ گرفته شود. این نماینده مجلس شورای اسلامی درباره چالش‌های پیش روی این طرح در مجلس گفت: این طرح تاکنون برای بررسی جزئیات به صحن علنی نیامده است؛ اما در مجموع لازم است یک سری اصلاحات در بانک مرکزی انجام گیرد و اصلاحاتی نیز در قانون کل بانک‌ها رقم بخورد. این ذره‌بین مجلس بر قوانین داخلی بانک مرکزی مهم‌ترین چالش نمایندگان مردم در خانه ملت است. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تغییر دولت را دیگر چالش پیش روی بهارستان‌نشیان در تصویب طرح اصلاح ساختار بانک مرکزی دانست و گفت: طرح ۱۲۰ماده‌ای که در مجلس دهم نوشته‌شده بود هنوز به سرانجام نرسیده است. از آنجایی که دولت عوض شد و دولت جدید هم نظراتی داشت، بررسی این طرح طولانی شد و دیگر در دستور کار قرار نگرفت.

▣ علل تاخیر در اصلاح نظام بانکی

موسوی لارگانی اصلاح نکات و مسائل اصلی نظام بانکی را یکی دیگر از علل تاخیر در بررسی این طرح عنوان کرد و گفت: طرح قبلی که بسیار سنگین بود، کل نظام بانکی را زیرورو می‌کرد؛ بنابراین مجلس یازدهم با زیر ذره‌بین گذاشتن طرح باید ببیند گیر کار کجاست و مشکلات اصلی چیست.

سپس درصدد رفع ابهامات و چالش‌های طرح برآید. این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس محاسبه نرخ سود و اخذ جریمه از دیرکرد پرداخت اقساط بانکی را یکی از مسائل طرح پیشین و موجود بیان کرد و گفت: رویه محاسبه نرخ سود مرکب باید اصلاح شود و اعضای کمیسیون اقتصادی هم در وهله اول می‌خواهند که سود مرکب نباشد.

▣ وام بانکی و اصلاح ساختار

به‌اعتقاد موسوی لارگانی، مشتریان بانک‌ها فرم قرارداد بانکی برای دریافت تسهیلات را بدون اشراف کامل از مفاد قرارداد امضا می‌کنند. این فرم‌ها چه در وام‌های خرد و چه در وام‌های کلان بیشتر به نفع بانک‌ها تنظیم شده است؛ بنابراین چگونگی بازپرداخت اقساط وام‌گیرندگانی که توانایی پرداخت وام خود را ندارند در طرح اصلاح ساختار بانکی باید موردبازنگری قرار گیرد.

این نماینده مردم در خانه ملت اعلام کرد: تفاوت قائل شدن بین وام‌های خرد و وام‌های بلندمدت نیز یکی دیگر از چالش‌های موردبحث در طرح اصلاح ساختار بانکی است، زیرا وام‌های خرد هم وثیقه و ضمانت بازپرداخت اقساط تسهیلات را دارند، اما اگر کسی به عسر و حرج افتاد و نتوانست اقساط پرداخت کند باید برای آن افراد راهکاری وجود داشته باشد تا نرخ بهره برای این فرد متوقف شود.

▣ چالش نظارت بر تسهیلات‌دهی

وی عمده‌ترین چالش بانک مرکزی را نداشتن قدرت نظارت کافی بر تسهیلات‌دهی بانک‌ها دانست و بیان کرد: ابزارهای نظارتی بانک مرکزی در تسهیلات‌دهی بانک‌ها بسیار ضعیف است. وقتی شخصی می‌خواهد وام کلان بگیرد، باید بررسی شود قبلا از کجا وام گرفته و چقدر دارایی و پشتوانه برای برگرداندن این تسهیلات دارد. از طرف دیگر نباید امکان دور زدن بانک مرکزی برای بانک‌ها فراهم باشد.

این عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه بخشی از ناکارآمدی به ساختار فعلی بانک‌ها برمی‌گردد، گفت: هر زمان بانک‌ها به هر دلیلی کارآمد نباشند، پایین بودن بهره‌وری به بازار پول آسیب می‌رساند؛ بنابراین هر چه ساختار بانک کارآمدتر و بهره‌ورتر باشد و سیاست‌گذاری‌هایی انجام شود که منجر به افزایش کارآیی بانک‌ها شود، حتما به اقتصاد کلان کشور کمک می‌کند. در همین راستا قانون‌گذار باید با دقت هر چه تمام‌تر ضعف‌های طرح اصلاح ساختار بانکی را بررسی و رفع کند.

▣ لزوم شفافیت بانک مرکزی

وی با بیان اینکه شفافیت عملکرد بانک‌ها از سیاست‌هایی است که می‌تواند به کارآمدی بانک‌ها کمک کند، ادامه داد: بانک‌ها باید خود را به‌روز کنند. اکنون بانک‌های کشور به‌دلایل مختلف فاصله معناداری با بانک‌های دنیا دارند.

این بروزرسانی در طرح اصلاح ساختار بانکی پیش‌بینی شده است. همچنین براساس این طرح باید شورای پول و اعتبار فعلی به هیات عالی بانکداری تبدیل شود.و بانک مرکزی به این نهاد پاسخگو باشد.لازم به ذکر است

این هیات متشکل از متخصصان در حوزه‌های اقتصاد کلان و سیاست‌های پولی و حقوقی بانکی خواهد بود.

سخن پایانی

برخی از کارشناسان اقتصادی معتقدند بروزرسانی نشدن قوانین بانکداری از سال ۱۳۵۱ تاکنون، منجر به تعمیق روزافزون شکاف بین بانکداری ایران و بانکداری حرفه‌ای در جهان شده است؛ در نتیجه زیرساخت قانونی ثبات اقتصادی در ایران، نیم‌قرن از تجربه جهانی عقب مانده و در صورت تداوم وضعیت فعلی، چشم‌انداز تورم و سلامت بانکی امیدوارکننده نخواهد بود و سپرده‌های خرد بانکی، نگهبان مقتدری نخواهند داشت. در همین راستا طرح اصلاح ساختار بانک مرکزی که از مجلس دهم در دستور کار قرار گرفته بود با اصلاحاتی در کمیسیون اقتصادی مجلس موردبررسی قرار گرفته است. مجلس به‌عنوان چشم تیزبین و قانون‌گذار در این زمینه مکلف است کلیات طرح را دوباره بازبینی کند تا هم سلیقه دولت جدید در آن اعمال و هم اشکالات احتمالی برطرف شود. موضوع اصلاح ساختار نظام پولی و بانکی کشور و نظام حکمرانی مالی از چنان حساسیتی برخوردار است که این طرح به‌صورت دوشوری در کمیسیون اقتصادی مجلس بررسی و اصلاح شد و قرار است به‌زودی و پس از رفع ابهامات و ایرادات طرح، بهارستان‌نشینان درباره تصویب آن در صحن علنی تصمیم‌گیری کنند.

یادداشت

نقش پررنگ قانون‌گذار در یک مصوبه مالیاتی



غلامرضا مرحبا
عضو کمیسیون اقتصادی مجلس

اجرای مالیات بر عایدی سرمایه در راستای مقابله با سوداگری و انتفاع بدون ایجاد ارزش‌افزوده در اقتصاد، تلاطم در بازارهای دارایی را کاهش می‌دهد.

مالیات بر عایدی سرمایه نوعی از مالیات است که بر سود ناشی از انتقال اموال غیرمولد اعمال و در بین عموم به‌نام مالیات ثروتمندان نیز شناخته می‌شود.

در ایران به‌دلیل ناقص بودن قوانین مرتبط با مالیات‌ستانی هنوز راه‌های فرار و دور زدن مالیات باز است و همچنین تجربه اجرای پایه‌های جدید مالیاتی چون مالیات خانه و خودروهای لوکس و خانه‌های خالی نیز تاکنون با شکست مواجه شده است.

طرح دریافت مالیات بر عایدی سرمایه برای ۲ سال در مجلس شورای اسلامی معطل‌مانده بود و سرانجام کلیات آن در مجلس یازدهم به تصویب رسید. در همین زمینه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با انتشار گزارشی کارکردها و مؤلفه‌های مهم در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه مبتنی بر تجارب کشورها را تشریح کرد تا برپایه این مطالعه که به کمسیون اقتصادی ارجاع شده با قانونی شدن این طرح جلوی گریز سرمایه به بازارهای سوداگری گرفته شود.

در کلیات این طرح آمده فردی که طلا، ارز، مسکن و خودرو خریداری و سپس اقدام به فروش آن کند، براساس مدت‌زمان تملک باید از محل سود این معامله، بخشی را به‌عنوان مالیات پرداخت کند.

براساس این طرح اموال در صورت نگهداری کمتر از یک سال مشمول ۴۰ درصد مالیات بر عایدی سرمایه می‌شوند و خودرو، طلا، سکه و ارز تا ۳۰ درصد از مبلغ سود حاصل از فروش مشمول مالیات خواهند بود.

اما در سال‌های بعد به‌صورت پلکانی مالیات کاهش می‌یابد و در سال چهارم به حداقل می‌رسد. از جزئیات طرح چنان برمی‌آید که به‌تعبیر کارشناسان بیش از ۹۵ درصد مردم از پرداخت این مالیات معاف هستند و تنها گروه ۵ درصدی سوداگران باید نسبت به پرداخت این مالیات اقدام کنند؛ افرادی که تاکنون فعالیت‌های‌شان نه ثبت‌شده و نه بابت درآمدهای نجومی خود مالیات پرداخت کرده‌اند.

لازم به ذکر است کلیات این طرح در شور دوم کمیسیون اقتصادی مجلس نیز به تصویب رسیده و یک ماه زمان دارد تا در نوبت صحن علنی مجلس به رای گذاشته شود. این طرح می‌تواند به کنترل نقدینگی و حتی کنترل تورم کمک کند، اما پیش‌زمینه اجرای آن نخست داشتن اطلاعات کامل و به‌هم‌پیوسته و سامانه‌های اطلاعاتی به هم متصل است و در مرحله بعد اجرای طرح عایدی بر سرمایه، خود پله‌ای برای رسیدن به اجرای طرح مالیات بر مجموع درآمد به‌شمار می‌رود.

در حال حاضر قانون مالیات بر عایدی سرمایه در ۹۰ درصد کشورهای اتحادیه اروپا و کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی اجرا می‌شود و سابقه این نوع مالیات به بیش از یک صد سال در دنیا برمی‌گردد، اما در کشور ما در نبود قانون دریافت مالیات بر عایدی سرمایه، فعالیت‌های سوداگرایانه و سودجویانه در دلالی ارز، مسکن، سکه، خودرو و موارد دیگر به چشم می‌خورد.

مالیات بر مجموع درآمد چیزی جز اجرایی شدن مجموع ساختار درآمد و هزینه‌های هر فرد اقتصادی نیست و برای شناسایی آن نیاز به اجرای مالیات بر عایدی سرمایه است. بنابراین اگر بستر اجرای مالیات بر عایدی سرمایه فراهم شود، کسانی که دارای فعالیت سوداگرانه و دلالی هستند شناسایی می‌شوند و از درآمد آنها مالیات بحقی گرفته می‌شود.

قانون‌گذار در مجلس یازدهم نقش پررنگی در به ثمر نشستن طرح مالیات‌ستانی از عایدی سرمایه و به‌تبع آن گسترش عدالت اجتماعی دارد.

به‌طورقطع این طرح قبل از پایان سال در صحن علنی مجلس با همکاری نمایندگان مردم در خانه ملت به تصویب خواهد رسید؛ بنابراین امید می‌رود در سال ۱۴۰۲ مالیات بر عایدی سرمایه جزو پایه‌های مالیاتی قابل‌دریافت باشد.

روزگار معدن
صنایع فلزی و غیرفلزی
۴ یکشنبه
۱۳ آذر ۱۴۰۱
۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۴
۴ دسامبر ۲۰۲۲
سال پنجم ● شماره ۹۷۳

اصلاح الگوی مصرف انرژی قانون ندارد



مهتاب دمیرچی

کارشناسان معتقدند به‌قدری اعمال قانون درباره حفاظت محیط‌زیست رنگ‌باخته است که نمی‌توان قضاوت درستی نسبت به قوانین موجود داشت، در واقع قانون در هیچ موضوعی در کشور به‌اندازه محیط‌زیست به شوخی و بی‌توجهی گرفته نشده است؛ بنابراین امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازبینی در اجرای مجازات‌هایی هستیم که برخی مجرمان زیست‌محیطی به‌راحتی مرتکب می‌شوند، همچنین آنها با انتقاد از عملکرد وزارتخانه‌هایی نظیر وزارت نیرو و کشاورزی معتقدند باتوجه به زیانبار بودن بیشتر پروژه‌های عمرانی، باید قوانین جدید در فرآیند عملیاتی کردن آنها وضع شود. «روزگار معدن» در این گزارش به‌مناسبت روز ملی قانون اساسی، به لزوم بازبینی در قوانین مربوط به محیط‌زیست و شکاف‌های موجود در روند اجرایی شدن آنها پرداخته است.

روایتی از مرگ تدریجی درختان بلوط

دانشمندان می‌گویند حتی یک درخت تنها در یک منطقه باز می‌تواند به‌عنوان یک آهن‌ربای تنوع زیستی عمل و بسیاری از گیاهان و جانوران را جذب و منابعی برای آنها مهیا کند، بنابراین از دست دادن درختان انفرادی نیز می‌تواند تاثیر شدیدی روی تنوع زیستی محلی داشته باشد، بنابراین جرم انگاشتن قطع درختان امری بدیهی است که بی‌شک در هر جامعه مدنی باید جزای سختگیرانه‌ای برای آن اعمال شود. در کشور ما برطبق اصل ۵۰ قانون اساسی، هرگونه رفتار اقتصادی که منجر به تخریب محیط‌زیست برای آیندگان شود، ممنوع است و جرم تلقی می‌شود، همچنین تخریب و از بین بردن تمام یا بخشی از اجزای محیط‌زیست مانند درختان جرم است و طبق ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی، هرکس عمدا اشیاء منقول یا غیرمنقول متعلق به دیگری را تخریب کند و از کار بیندازد، از ۳ ماه تا یک سال و ۶ ماه و در صورتی که میزان خسارت وارده ۱۰۰ میلیون ریال یا کمتر باشد، به جزای نقدی تا دوبرابر معادل خسارت وارده محکوم خواهد شد.

همچنین در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع برای متجاوزان به محیط‌زیست به‌ویژه جنگل‌ها، مجازات‌های دیگری پیش‌بینی شده است، بنابراین قطع درختان چه عمدی و چه سهوی، باید منجر به جریمه و جزای مذکور باشد.

این در حالی است که در ۷۰ سال گذشته، ۷ میلیون هکتار از جنگل‌های زاگرس در کشورمان از بین رفته و در حال حاضر تنها۵ میلیون هکتار جنگل در زاگرس باقی مانده است. طبق گزارشی که ایسنا در سال گذشته منتشر کرد، از ۱۶۵ میلیون هکتار وسعت کشور، ۱۲ میلیون هکتار آن شامل جنگل‌ها می‌شود.

جنگل‌های بلوط زاگرس با وسعت ۶ میلیون هکتار مساحت نزدیک به ۵۰ درصد جنگل‌های ایران را تشکیل می‌دهند که متاسفانه طی سال‌های اخیر فعالیت‌های انسانی و طبیعی متعددی باعث زوال و مرگ تدریجی درختان بلوط زاگرس شده است.

نیازمند برخورد جدی با مجرمان هستیم



احد وظیفه، کارشناس محیط‌زیست و هواشناسی در گفت‌وگو با «روزگار معدن» درباره شکاف اصلی در اجرای قوانین مربوط به حفاظت از محیط‌زیست گفت: باتوجه به شرایط کنونی زیست‌محیطی کشور واضح است که قوانین مربوط به حفظ و حمایت از محیط‌زیست در کشور آن‌گونه که باید، اجرایی و رعایت نشده است. برای مثال، قانون هوای پاک به این امر اشاره دارد که هر عملیاتی که به نقض این قانون می‌انجامد و موجب انتشار آلاینده‌های بسیار مضر می‌شود، جرم است، اما تاکنون شاهد برخورد جدی مجریان قانون در این امر نبوده‌ایم؛ همچنین در بسیاری موارد موردنظارت دقیق مجریان هم قرار نگرفته است.

وی ادامه داد: معضلاتی که در بحث حفاظت از محیط‌زیست از گذشته تاکنون وجود داشته، ناشی از بی‌توجهی به قانون بوده که مشکلات ناشی از آن رو به افزایش است و روزبه‌روز با بحران‌های زیست‌محیطی متعددی مواجه می‌شویم؛ برای مثال، توسعه مناطق بیابانی و بیابان‌زایی در کشور، افزایش جنگل‌زدایی‌ها و دیگر مخاطرات محیط‌زیست که کشور را با معضلات عدیده‌ای مواجه کرده‌اند. نمونه دیگر این بی‌قانونی را می‌توان در تغییر کاربری اراضی دید. در چند دهه گذشته، بیش از ۵۰۰ کانون جمعیت شکل گرفته است و کانون‌هایی از دامداری به مناطق مسکونی تغییر شکل داده‌اند، اما تاکنون هیچ قانونی، مقابل این بی‌قانونی نایستاده است.

تهدیدی به‌نام بی‌توجهی به قانون

وظیفه خاطرنشان کرد: همچنین آلودگی هوای تهران نمونه‌ای از بی‌قانونی و تعرض به محیط‌زیست و فرونشست زمین هم نمونه دیگری از بی‌توجهی به قانون در بحث استفاده بیش از اندازه از آب‌های زیرزمینی است که موجب گسترش فرونشست زمین شده و امروز بی‌توجهی قانونی، دیگر یک ضدهنجار نیست، بلکه تبدیل به تهدید شده است. این میزان از بی‌توجهی به قانون در کشور در ابعاد بین‌المللی هم رخ‌نمایی کرد. برای نمونه چندی پیش، دست مدیریت پسماند و شهرداری مقابل ناسا درباره نحوه دفع پسماند رو شد، با اینکه در ابتدا میزان انتشار متان از منطقه کهریزک تکذیب شد، اما مسئولان امر به واقعیت داشتن اطلاعات ناسا اذعان کردند.

به‌گفته وظیفه، بی‌توجهی به قانون درباره حفظ محیط‌زیست در کشور در آینده نه‌چندان دور برای آحاد مردم ملموس‌تر خواهد شد و نتیجه این بی‌توجهی، این است که آنچه را امروز از محیط زندگی و زیست کشور می‌شناسیم، از دست خواهیم داد و با محیطی بیگانه مواجه خواهیم شد.

وی بااشاره به اهمیت فرهنگ‌سازی در اجرایی کردن قوانین گفت: تجربه در کشور ما نشان داده است که اجرای قانون در قالب یک بستر سختگیرانه می‌تواند منجر به فرهنگ‌سازی شود. گفتنی است، الگوی فرهنگ عمومی مردم بیش از هر چیز خود را در استفاده از انرژی نشان می‌دهد. آمارها حاکی از آن است که مصرف انرژی در ایران با ۳۷ کشور عضو اتحادیه اروپا که جمعیتی بالغ بر چند صد میلیون نفر دارد، برابری می‌کند.

همچنین در مقایسه با کشور ترکیه که جمعیتی برابر با ایران دارد، میزان استفاده از سوخت‌های فسیلی بسیار بیشتر است، در نتیجه فرهنگ مصرف انرژی در کشور به‌روز نیست و نیازمند تغییر در نگرش عمومی است و این تغییر با وضع قوانین جدید ممکن است.

وظیفه گفت: نبود قانون در مصرف انرژی به‌خوبی خود را نشان می‌دهد و باید در کنار فرهنگ‌سازی قرار گیرد تا به هدف اصلی برسد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، موضوعات مربوط به حفاظت از محیط‌زیست در بدنه قانون اساسی معضلی وجود ندارد، اما ضعف و شکاف اصلی در اجرای قوانین دیده می‌شود. بی‌توجهی به اجرای قوانین یا اقدامات مجازات‌گونه برای مجرمان آنجایی خود را نشان می‌دهد که افراد بدون ترس و آزادانه هر اقدامی در برابر محیط‌زیست انجام می‌دهند، در واقع آنها نگران جرم بودن اعمال‌شان در برابر محیط‌زیست نیستند.

کجا به اینقدر بی‌قانونی وجود دارد

وی بااشاره به تدوین بندهای جدید در قانون برای برون‌رفت از بحران‌هایی نظیر آب گفت: واضح است که بحران کمبود آب در تهران تبدیل به یک معضل جدی شده است، بنابراین هرگونه استفاده شخصی نابجا باید مورد تذکر قانونی قرار گیرد؛ در حالی که تاکنون روند جدی در اعمال قوانین وجود نداشته است. به‌اعتقاد من، اگر قانونی وضع می‌شود، باید الزامات اجرایی آن هم تبیین شود. تصور نمی‌شود در کشور جز قوانینی که مربوط به محیط‌زیست است، حوزه دیگری وجود داشته باشد که این‌گونه به شوخی گرفته شود و این میزان از نابسامانی در اجرایی قوانین وجود داشته باشد.

وظیفه گفت: حیات نسل‌های بعدی وابسته به رفتار امروز ما با محیط‌زیست است و این بی‌توجهی می‌تواند شکایت نسل بعد و آسیب جدی به زندگی آنان را دربرداشته باشد، همچنین بروز پدیده‌ای به‌نام پناهندگان اقلیمی و غیرقابل‌زیست بودن برخی مناطق کشور تنها به یک عامل اصلی برمی‌گردد و آن‌هم بی‌توجهی به قانون و اجرایی نشدن آن است. امنیت غذایی، شغلی و رفاهی مولفه‌های مهمی هستند که به محیط زندگی انسان وابسته هستند و در قانون چنین مواردی درج شده است، اما ناظر سفت و سختی برای اجرایی شدن آن وجود ندارد.

وی ادامه داد: اگر در نگاه مسئولان درباره حفظ محیط‌زیست مواردی نظیر پایداری آب و اقلیم دیده نشود، عواقب بسیار ناگواری در آینده برای مردم خواهد داشت. بی‌توجهی به قانون، موجب کم شدن ظرفیت محیطی برای نگهداشت زیست و مردم در مکان‌های شکننده و ایجاد بحران عمیق‌تر و بزرگ‌تر شده است.

وی بااشاره به درست یا غلط بودن قوانین موجود گفت: تا زمانی که قانون عملی نشود، نمی‌توان قضاوت دقیقی کرد. شرایط تاکنون به‌گونه‌ای پیش رفته است که چندان شاهد اجرایی شدن قوانین نبوده‌ایم، به‌همین دلیل نمی‌توانیم قضاوت درستی هم داشته باشیم تا بگوییم که قوانین موجود چقدر مفید و چقدر مضر است. اینکه چقدر نیاز به تغییر قانون در بحث حفاظت از محیط‌زیست داریم، موضوعی است که در زمان اجرای صفرتا ۱۰۰ قانون می‌توان به آن دست یافت.

پول با محیط‌زیست قابل تعویض نیست



محمد بصیری، کارشناس در زمینه توسعه پایدار، در گفت‌وگو با «روزگار معدن» بااشاره به لزوم بازبینی جرایم در نظر گرفته‌شده برای مجرمان محیط‌زیستی و افرادی که رفتار آسیب‌زننده به طبیعت دارند، گفت: در ابتدا لازم است، اشاره کنم که در حال حاضر قوانین و جرایم بازدارنده نیستند و حتی همین جرایم هم اجرا نمی‌شوند. برای مثال، وقتی یک درخت قطع می‌شود، جریمه آن نباید وجه پرداختی همان اصله درخت باشد. به‌اعتقاد من و بسیاری از کارشناسان محیط‌زیست، جریمه آن باید متناسب با تاثیری باشد که درخت بر طبیعت دارد، چرا که روی حیات‌وحش و پرندگان اثر دارد، همچنین موجب بروز اخلال در چرخه زیستی می‌شود و حفاظت خاک به‌خطر می‌افتد. قطع درخت در ابعاد وسیع موجب بروز سیلاب‌های مخرب در مناطقی می‌شود که آمادگی یا دوام کافی در برابر نیروی سیل را ندارند، به‌همین دلیل جریمه آن باید خیلی سنگین باشد.

وی بااشاره به مثالی دیگر گفت: همچنین وقتی شکاری بدون مجوز انجام می‌گیرد، تاثیر آن روی جمعیت کلی است، همچنین موجب تخریب ژنتیکی می‌شود، بنابراین شکار غیرمجاز نباید مجازاتش آن چیزی که امروز وجود دارد، باشد و نیاز به بازبینی در جرایم در بحث حفاظت از محیط‌زیست به‌شدت احساس می‌شود.

مسئولان وزارت نیرو دغدغه محیط‌زیست ندارند

بصیری درباره پروژه‌های عمرانی بزرگ که بیشتر آنها تخریب وسیعی بر محیط‌زیست مناطق داشته‌اند، گفت: بسیاری از پروژه‌های عمرانی به آلودگی یا خشک شدن تالاب‌ها انجامیده است؛ متاسفانه در قوانین موجود، بندی برای چنین مواردی به‌منظور حفظ محیط‌زیست در نظر گرفته نشده و به‌اعتقاد من، تسهیلات دولت مقصر اصلی این بی‌قانونی است. تالاب‌ها از سوی مردم به نابودی نرسیده‌اند؛ بیشتر آنها با سدهایی که از سوی دولت‌ها و وزارت نیرو احداث شده است، از بین رفته‌اند یا در حال نابودی هستند، چرا که سدها موجب کاهش حقابه تالاب‌ها و همچنین برخی سدها موجب خشک شدن آب‌های زیرزمینی در محدوده خود هستند.

وی افزود: وقتی حقابه‌ها از تالاب‌ها گرفته می‌شود، پیدا است که به خشکی می‌گرایند و حتی آب‌های زیرزمینی سد از بین می‌رود و اجازه می‌دهند که پمپ روی رودخانه بزنند که تمامی اینها برای محیط‌زیست به‌شدت مخرب است، اما هیچ قانونی برای مقابله با چنین طرح‌های مخربی در کشور وجود ندارد.

به‌گفته وی، در کل، مدیریت وزارت نیرو در مقابل آب کاملا غیر زیست‌محیطی است. درباره برق هم، چنین روالی حاکم است، چرا که روزانه نیروگاه‌های گازی و مازوت‌سوزی توسعه داده می‌شوند، در حالی که توجهی به نیروگاه‌های خورشیدی نداشته‌اند.

بصیری گفت: لازم است در بدنه قانون اساسی توجه ویژه به تاثیراتی شود که پروژه‌های بزرگ عمرانی روی محیط‌زیست دارند؛ برای مثال می‌توان از راه‌های دیگری آب موردنیاز شهر را در شهرها تامین کرد و شاید نیاز به سدسازی انبوه در کشور نباشد، همچنین برای تولید برق می‌توان از انرژی‌های نو بهره کافی گرفت. وی ادامه داد: بی‌مهری به طبیعت در چند دهه اخیر، موجب بروز پدیده‌ای به‌نام کشاورزی جدید شده است؛ جدید نه به آن معنا که با فناوری‌های پیشرفته بهره‌وری افزایش یابد، بلکه به این معنا که در جایی به کشت و زرع پرداخته می‌شود که موجب تخریب محیط‌زیست شده است. کشاورزی جدید کاملا غیرپایدار است و باعث از بین رفتن کشاورزی‌های پایین‌دست شده، همچنین مرتع‌ها را از بین برده و موجب افزایش فرسایش خاک روی زمین‌های شیب‌دار شده است.

بصیری ادامه داد: مسئولان وزارت نیرو دغدغه محیط‌زیست ندارند و لازم است تا قانون، در مقابل چنین رفتارهای غیرمسئولانه‌ای بایستد. توجه به توسعه پایدار باید در پروژه‌های عمرانی از اهمیت بالایی برخوردار باشد، در حالی که در آمایش صنعت، کمتر شاهد چنین روندی بوده‌ایم؛ برای مثال، در مناطق کویری نظیر یزد، اصفهان و مناطق خشک دیگر، مجوز تولید فولاد می‌دهد،در حالی که تولید این صنایع در چنین مناطقی بسیار غیرزیست‌محیطی، غیرمنطقی و غیراقتصادی است، بنابراین مجبور می‌شوند که آب را از جاهای دور بیاورند یا به شیرین‌سازی آب بپردازند و آمایش سرزمین و جایابی در ایران جایگاهی ندارد.

وی افزود: فرآیند دیگری که در ایران موجب تخریب شدید محیط‌زیست می‌شود و نیاز به وضع یا تدوین قوانین جدید دارد، تبدیل اراضی کشاورزی به باغ‌های تفریحی و ویلاها یا ساختمان‌های مسکونی است که موجب توسعه شهر روی زمین‌های حاصلخیز شده است. چنین مواردی آینده کشور را از نظر امنیت غذایی به‌مخاطره می‌اندازد. گفتنی است، این هم به‌دلیل بی‌مبالاتی وزارت کشاورزی و ناتوانی در اجرای قانون، اتفاق می‌افتد.

سخن پایانی

شاید قانون در هیچ موضوعی نظیر حفاظت از محیط‌زیست، این‌گونه رنگ نباخته است، در واقع بی‌توجهی به بندهای قانونی موجب بحران‌های عدیده‌ای در محیط‌زیست کشور در ۲ دهه اخیر شده است. دروغ است که امروز بحران آب را به کمبود بارش نسبت می‌دهند؛ اجرایی نشدن قانون، مسبب اصلی تمام بحران‌های زیست‌محیطی در کشور است؛برای مثال، احداث سدهای متعدد، موجب خشک شدن دریاچه ارومیه شد؛ شاید بد نباشد که بگوییم امروز لازم است تا قانونی راجع به دروغگویی برخی از وزارتخانه‌ها در شرایط زمانی خاص وضع شود. در کل، زور علم به پول و صرفه اقتصادی چنین پروژه‌هایی نمی‌رسد. از سوی دیگر، تا زمانی که توجهی به جغرافیای محیطی و آمایش سرزمین نداشته باشیم، باید منتظر مواجهه با بحران‌های خطرناک‌تری در ایران باشیم.

یادداشت

برای «تغییر اقلیم» در قانون اساسی جا باز کنید



داریوش گل‌علیزاده
سرپرست مرکز ملی هوا و تغییراقلیم

ایران جزو کشورهای آسیب‌پذیر در حوزه تبعات تغییر اقلیم است و برای اینکه این آسیب‌پذیری را به‌حداقل برسانیم، در کنار کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای با حفظ منافع ملی باید رفتارهای سازگارانه در پیش گیریم و برنامه‌های متناسب با آن را تدوین کنیم. در حقیقت، برای افزایش تاب‌آوری باید رویکرد سازگارانه داشته باشیم و به تغییر الگوها در سبک زندگی و اشتغال بپردازیم. در غیر این صورت، محکوم به انقراض و نابودی به مقیاس یک سیاره خواهیم بود. از اثرات مستقیم تغییر اقلیم، بیابان‌زایی و خشکسالی، تغییر در زمان و مکان بارش‌ها است که بیشتر منجر به ایجاد سیلاب‌های عظیم می‌شود، همچنین آتش‌سوزی در جنگل‌ها و کمبود منابع آب و تبخیر بیش‌ازحد این منابع، کشور را روزبه‌روز به شرایط بحرانی نزدیک‌تر می‌کند، به همین دلیل باید تمهیداتی برای کاهش این آثار بیندیشیم تا بتوانیم علاوه بر اینکه این تهدید را به یک فرصت تبدیل می‌کنیم، از خطرات آن‌هم ایمن باشیم. یکی از این تمهیدات، توجه ویژه به کاهش آثار تغییر اقلیم در کشور و تدوین قانونی برای آن است، در واقع وقت آن رسیده است که تغییر اقلیم به‌عنوان یک معضل مهم در خانه مردم به‌حساب بیاید و قانون‌گذاران بندهای ویژه‌ای در کنار قانون حفظ محیط‌زیست برای آن در نظر بگیرند. برای مثال، می‌توان از بارش‌های رگباری نهایت استفاده را کرد. همچنین، باید فرسایش خاک را به‌حداقل برسانیم. این در حالی است که بیشتر رودخانه‌های کشور به‌دلیل فرسایش عظیم خاک گل‌آلود است. می‌توان با طراحی پروژه‌های آبخیزداری، میزان تبخیر را به‌حداقل رساند و در کنار آن، از فرسایش بیش‌ازاندازه خاک جلوگیری کرد. در افزایش راندمان بهره‌وری در آب و کشاورزی باید اقدامات درخوری انجام داد تا به بحران امنیت غذایی دچار نشویم. تغییر اقلیم به تنوع زیستی، جانوری و پوشش گیاهی، آسیب جدی می‌رساند که با طراحی و اجرای الگوی زیرکشت می‌توان تا حد زیادی از آن کاست. امروز تغییر اقلیم، گردشگری کشور را دچار اختلال کرده و تا حدی به زندگی روزمره مردم آسیب زده است. همه اینها دلیل خوبی است که بحث تغییر اقلیم در برنامه هفتم جایگاه ویژه‌ای داشته باشد و در حوزه کاهش و سازگاری، اقدامات ویژه‌ای را به‌ثمر برسانیم. متاسفانه کشورهای توسعه‌یافته همکاری موردانتظار را ندارند و حتی در سال گذشته برای تامین انرژی به‌سمت منابع زغال‌سنگ خود رفته‌اند. خوشبختانه در سازمان محیط‌زیستی، برنامه‌ای مبتنی بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای را تدوین و طراحی کردیم و کارگروه ملی تغییر اقلیم این سازمان، مصوبات آن را تدوین کرد. اکنون منتظر نهایی شدن آن از سوی دولت و تحویل آن به کمیسیون تغییر اقلیم به مجلس هستیم. ناگفته نماند که در بحث اجرایی، سازمان محیط‌زیست فعالیت‌هایی را در موضوع کاهش انتشار انجام می‌دهد و پیگیری‌هایی را هم در بحث کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای در دست اجرا داریم، ضمن اینکه لایحه تغییر اقلیم هم در مرحله تهیه، تدوین و اجرا قرار دارد و اکنون در حال طی کردن مراحل قانونی خود است. گرمایش جهانی و تغییر اقلیم یک خطر جهانی است و الزام دارد که تمامی کشورها در کنار هم نسبت به کاهش انتشار، اقدامات جدی داشته باشند. همچنین، کشورها در درون خود هم باید رفتارهای سازگار با آن را در پیش بگیرند.

متاسفانه ارزانی انرژی در کشور ما، انتشار گازهای گلخانه‌ای را افزایش داده است، در حالی که اگر قدر انرژی را بیشتر می‌دانستیم، با مصرف بهینه انرژی از انتشار این گازها کاسته می‌شد. امروز نیازمند مشارکت آحاد مردم برای حفظ کره زمین از آثار و تبعات گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی هستیم. این هدف، بدون آموزش نسل‌های امروز ممکن نمی‌شود. به‌عبارت روشن‌تر، آموزش و آگاهی‌بخشی باید از مدارس آغاز شود.

کودکان باید در سال‌های اولیه زندگی بدانند که تنها یک زمین دارند و باید از آن محافظت کنند. شاید چنین موضوعی به ایجاد نگرانی در میان کودکان بینجامد، اما ایجاد حساسیت در کودکان، موجب زنده شدن امید در دل نسل‌های آتی می‌شود.

گفتنی است، با آگاه‌سازی کودکان می‌توان مطالبه‌گری را در میان آنها افزایش داد. وقتی مطالبه‌گری افزایش پیدا کند، سازمان‌ها و نهادهای مربوطه تلاش بیشتری خواهند کرد.

در گفت‌وگو با یک فعال معدنی مطرح شد

بی‌ثباتی قوانین، پاشنه آشیل تولید

مرضیه احقاقی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۲ آذرماه سال ۱۳۵۸توسط مجلس خبرگان قانون اساسی تصویب شد. قانون از اهمیت و اثرگذاری جدی بر عملکرد صنایع برخوردار است. قوانین متعدد و متناقض بر عملکرد بخش معدن و صنایع معدنی سایه افکنده است. این‌گونه قوانین و مقررات به‌عنوان عاملی دست‌وپاگیر مانع توسعه عملکردی در بخش‌های گوناگون می‌شود و همچون سدی در مسیر فعالیت تولیدکنندگان قرار می‌گیرد. بر همین اساس، بسیاری از فعالان صنعتی توجه نمایندگان مجلس به مقررات‌زدایی را اصل و پیش‌فرضی برای توسعه می‌دانند و با اشاره به اجرایی نشدن قوانین و مقررات در حوزه‌های گوناگون بر اجرای درست این مقررات تاکید دارند.



عکس: روزگار معدن



در چنین شرایطی، بازبینی و سپس نظارت بر اجرای قوانین از اهمیت بیشتری برخوردار است. «روزگار معدن» برای بررسی اثرگذاری قوانین بر عملکرد بخش معدن و صنایع وابسته به آن با محمد حیدرزاده فعال معدنی گفت‌وگو کرده است. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید.

◉ اثربخشی قانون و قانون‌گذاری را بر عملکرد صنایع چطور ارزیابی می‌کنید؟

قانون‌گذاری به‌منزله تدوین سیاست و استراتژی و همچنین تدوین برنامه‌های راهبردی و مقررات‌گذاری برای نظم‌بخشی به شرایط است. قوانین حاکم بر بخش معدن و صنایع معدنی، محدوده فعالیت در این بخش را تعیین و تبیین می‌کند اما انتقادهایی به مصوبات و قوانین حاکم بر بخش معدن وارد است. بی‌توجهی سیاست‌گذاران به نظرات فعالان صنعتی، تولیدکنندگان و نمایندگان بخش خصوصی، یکی از اصلی‌ترین دلایل ناکارآمدی قوانین و مقررات حاکم بر بخش معدن و صنایع وابسته به آن است. بسیاری از این قوانین و مقررات در مرحله اجرا، پیامدهای ناگواری را به‌دنبال دارند. برای حذف این پیامدها، انتظار می‌رود در دوره طراحی مواد قانونی، از نظرات نمایندگان بخش تولید استفاده شود. به بیانی دیگر، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی با حضور ذی‌نفعان یک بخش، راه‌حل اصلی برای مقابله با این مشکلات است.

◉ بروز مغایرت میان قوانین تصویب شده از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با فرآیند اجرای این قوانین از سوی دولت، چه مشکلاتی را برای تولیدکنندگان ایجاد می‌کند؟

در مواردی شاهد بروز مغایرت میان قوانین و نحوه اجرای مقررات هستیم. مغایرتی که پیامدهای بسیاری را به‌دنبال دارد و حتی به تعطیلی صنایع منتهی می‌شود. درحالی که اگر فضای تعامل میان تولیدکنندگان بخش خصوصی، تولیدکنندگان وابسته به دولت و قانون‌گذاران وجود داشت، چنین چالش‌هایی سد راه تولید نمی‌شد. در همین حال باید تاکید کرد که قوه مقننه وظیفه نظارت بر حسن اجرای قوانین را بر عهده دارد، بنابراین نباید نسبت به بی‌توجهی دولتمردان بر حسن اجرای قانون بی‌تفاوت باشد.

◉ برقراری تعامل نزدیک میان قانون‌گذاران با فعالان معدنی، چه تاثیری بر بهبود شرایط قانون‌گذاری دارد؟

در دوره‌هایی قانون‌گذار از نظرات فعالان صنعتی استفاده می‌کند اما این تعاملات گاه نتیجه‌بخش نیست؛ بنابراین انتظار می‌رود رابطه نزدیک و مستمری میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای کمیسیون صنعت با نمایندگان بخش تولید برقرار شود. براساس قانون بهبود فضای کسب‌وکار دولت مکلف است در مراحل بررسی موضوعات مربوط به محیط کسب‌وکار برای اصلاح و تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها، نظر کتبی اتاق‌ها و آن‌دسته از تشکل‌های ذی‌ربطی که عضو اتاق‌ها نیستند، اعم از کارفرمایی و کارگری را درخواست و بررسی کند اما در موارد بسیاری سیاست‌گذاران بدون توجه به نظرات فعالان اقتصادی، سیاست‌گذاری می‌کنند. همین بی‌توجهی به قانون نیز عملا مانعی جدی برای رفع چالش‌های حاکم بر بخش تولید است. چنانچه مسئولان و سیاست‌گذاران در روند تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و حتی مقررات‌زدایی تجدیدنظر و میزان تعامل خود را با صنعتگران یا نمایندگان بخش تولید بیشتر کنند، بسیاری از چالش‌های حاکم بر بخش تولید مرتفع خواهند شد. این دست اقدامات از یک‌سو مسیر توسعه اقتصادی کشور را تسهیل، از سوی دیگر نیز به حفظ موقعیت‌های شغلی ایجاد شده در صنایع کمک می‌کند. بنابراین درمجموع گامی مثبت درجهت بهبود شرایط اقتصادی برداشته خواهد شد.

◉ مهم‌ترین قوانین ناکارآمد حاکم بر بخش معدن چه مواردی هستند؟

متاسفانه هر سال قوانین و مقرراتی ضد تولید از سوی سیاست‌گذاران وضع می‌شود و عملا فرآیند تولید و فروش صنایع را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد. به‌عنوان مثال می‌توان از وضع عوارض صادراتی روی مواد معدنی نام برد.

این سیاست در طول سال‌های گذشته به طرق مختلف برای فعالان بخش معدن تکرار شده است و لطمات غیر قابل جبرانی را به این صنعتگران تحمیل کرده است. متاسفانه قانون‌گذار با همراهی دولت یک‌طرفه و بدون نظرخواهی از تولیدکنندگان یا ذی‌نفعان تصمیم‌گیری می‌کند.

در چنین شرایطی، از یک‌سو احتمال از بین رفتن برخی کسب‌وکارها وجود دارد و از سوی دیگر، رانت و امتیازی به گروهی خاص تعلق خواهد گرفت.

در همین حال دولت نیز به اهداف پیش‌بینی‌شده خود برای درآمدزایی بیشتر نخواهد رسید. بنابراین انتظار می‌رود سیاست‌گذاران با دقت‌نظر بیشتر عمل کنند و انتقادهای مطرح‌شده نسبت به روند فعالیت خود را بیش از پیش موردتوجه قرار دهند.

سخن پایانی

بی‌ثباتی از دلایل متعددی از جمله بی‌برنامگی دولت‌ها در سیاست‌های پولی و مالی و همچنین تصویب قوانین و مقررات از سوی نهاد قانون‌گذار نشأت می‌گیرد. متاسفانه در کشور ما این بی‌ثباتی در حوزه‌های مختلف قانون‌گذاری و حتی اجرای قوانین به چشم می‌خورد و عملکرد صنایع را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد. چنانچه مسئولان در فرآیند تصمیم‌گیری دقت‌نظر کافی نداشته باشند و اقدام به اخذ سیاست‌های غیرهمسو یا متضاد کنند، چالش‌های جدی در مسیر فعالیت فعالان اقتصادی ایجاد می‌شود. این بی‌ثباتی آسیب‌های جدی به عملکرد تولیدکنندگان وارد می‌کند و عملکرد آنها را تحت‌تاثیر منفی قرار می‌دهد. درموارد متعددی این سیاست‌گذاری اشتباه حتی می‌تواند به تحمیل خسارت‌های جبران‌ناپذیر و همچنین تعطیلی واحدهای تولیدی نیز منجر شود. بنابراین تجدیدنظر در سیاست‌های متناقض تصمیم‌گیران و همچنین اتخاذ رویه‌ای ثابت از سوی مسئولان برای بهبود شرایط تولید، ضروری به‌نظر می‌رسد.

در غیر این‌صورت، هر روز شاهد چالش‌های جدیدی در اقتصاد و بروز بی‌ثباتی‌های جدید خواهیم بود که تاثیر منفی بسزایی بر عملکرد صنایع دارند.

از آنجاکه در طول سال‌های اخیر توجه به تولید و توسعه عملکردی صنایع موردتوجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته، از مسئولان نیز انتظار می‌رود در مسیر حمایت از تولید، سیاست‌گذاری کنند.





یادداشت

ضرورت نظارت بر اجرای قانون



کامران وکیل
فعال معدنی

قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای دقیق قانون که هر دو جزو وظایف اصلی نمایندگان مجلس شورای اسلامی هستند از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و به‌بیانی مسیر و سمت و سوی عملکرد نهادها و صنایع مختلف را تعیین می‌کنند.

اجرای دقیق قوانین نخستین پیش‌شرط کشف کاستی‌های قانونی موجود است و ضرورت رفع آنها را نمایان می‌کند. ضعف در اجرای قوانین، فرصتی برای ارزیابی و شناسایی کمبودهای قانونی نمی‌گذارد. علاوه بر این اگر بهترین قوانین به‌درستی اجرایی نشوند، نباید منتظر آثار مثبتی از آنها بود، بر همین اساس ضعف قانون و ضعف در اجرای آن باید به‌طور جداگانه بررسی و ارزیابی شوند.

در حالت کلی نمی‌توانیم مدعی باشیم که قوانین حاکم بر بخش معدن و صنایع معدنی بدون ایراد هستند اما آنچه به فضای کسب‌وکار و فعالیت در بخش معدن، آسیب اساسی وارد می‌کند، ترک فعل از سوی دولت و اجرای ناقص قوانین است. به‌عنوان مثال در قانون مقرر شده قسمتی از حقوق دولتی (یعنی سهمی از درآمدهای معدن که از سوی معدنکاران به دولت پرداخت می‌شود)، صرف آبادانی مناطق معدنی شود. این آبادانی در بخش‌های مختلفی همچون بهبود شرایط اجتماعی و رفاهی زندگی برای مردم منطقه تعبیر می‌شود. علاوه بر این، براساس قانون مشخص‌شده سهمی از حقوق دولتی به بازسازی و بهسازی فضای محیطی منطقه اختصاص یابد، اما دولت باوجود دریافت سهم موردبحث از معدنکاران، قدم مثبتی برای بهبود شرایط این مناطق برنمی‌دارد؛ به همین دلیل اهالی منطقه به معدن و برداشت از ذخایر معدنی تنها به‌عنوان معضلی نگاه می‌کنند که هیچ تاثیری بر آبادانی محل زندگی آنها ندارد و پیرو همین تفکر تبدیل به معارضان محلی می‌شوند.

براساس قانون، اولویت تمدید پروانه معدنی به بهره‌بردار اختصاص دارد، اما در عمل مسئولان به این قانون پایبند نیستند و هرگاه ذخیره قابل‌توجهی از یک معدن شناسایی شود، وزارتخانه پروانه بهره‌برداری از آن ذخیره معدنی را تمدید نمی‌کند یا آن ذخیره را از ید بهره‌بردار سابق خارج می‌کند. با این رویکرد، امنیت سرمایه‌گذاری در بخش معدن تحت‌تاثیر سیاست‌های یادشده تهدید می‌شود. در نحوه اجرای قانون واردات ماشین‌آلات معدنی نیز کاستی و تناقض‌های بسیاری وجود دارد. براساس قانون مقررشده واردات خطوط تولید از مالیات معاف باشد. ماشین‌آلات معدنی نیز حکم همین خطوط تولید را دارند اما واردات آنها از مالیات معاف نیست و هر روز دستورالعمل جدیدی برای این بخش صادر می‌شود، این در حالی است که واردات ماشین‌آلات معدنی به‌منزله ایجاد و رونق کسب‌وکارهای معدنی است و رشد تولید را به‌دنبال دارد. همین مسائل نشان می‌دهد در کشور ما خلاف شعارها، از تولید و توسعه حمایت نمی‌شود. متاسفانه هر چند ماه یک‌بار، مقررات ورود ماشین‌آلات معدنی تغییر می‌کند. سختگیری در مسیر واردات ماشین‌آلات معدنی به‌قدری جدی است که در حال حاضر بخش معدن ایران قدیمی‌ترین، پرمصرف‌ترین و پرهزینه‌ترین ناوگان معدنی جهان را در اختیار دارد. بی‌توجهی دولت به قوانین به همین‌جا ختم نمی‌شود و در سایر حوزه‌های تولید نیز جریان دارد. از دهه ۷۰ در قانون اساسی کشور تسهیل صادرات با هدف ارتقای درآمدهای غیرنفتی کشور موردتوجه قرار گرفته است. با این وجود، دولت در ابتدای امسال با وضع عوارض صادراتی، این مسیر را دشوار کرد و آثار سوء آن برای مدت زمان طولانی ادامه یافت، این در حالی است که براساس ماده ۳۷ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، نهادهای ذی‌ربط موظفند ۳ ماه قبل از اجرایی شدن وضع عوارض صادراتی، فهرست کالاهایی که مشمول عوارض شده‌اند را اعلام کنند. یعنی دولت در این مصوبه عملا خلاف قانون عمل و ضربه‌های جدی را به تولیدکنندگان و تجار تحمیل کرده است. متاسفانه این‌گونه مغایرت‌ها میان قوانین و نحوه اجرای آنها قابل‌توجه هستند؛ از همین رو از قانون‌گذار انتظار می‌رود بر نحوه اجرای قانون نظارت دقیقی داشته باشد و با متخلفان برخورد کند.

تاکید فعالان بخش معدن و صنایع معدنی برای تسهیل امور اجرایی

مقررات‌زدایی در دستور کار قرار گیرد



عکس: روزگار معدن

مرضیه احقاقی

۱۲ آذر در تقویم رسمی کشور باعنوان روز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ثبت شده است. این روز فرصتی است برای بازنگری در فرآیند قانون‌گذاری در کشور. در طول بیش از ۴ دهه اخیر قوانین متعددی در حوزه‌های مختلف تصویب‌شده که بر بخش تولید و اقتصاد کشور حکمفرمایی می‌کند. در برخی حوزه‌ها این قوانین به‌قدری متعدد می‌شوند که عملا هم‌پوشانی دارند و تاثیر منفی بر عملکرد صنعتگران می‌گذارند؛ بنابراین بازنگری در قوانین یا مقررات‌زدایی باید به‌عنوان یکی از وظایف اصلی قوه قانون‌گذار مطرح باشد و همزمان نظارتی دقیق از سوی قوه مقننه بر اجرای قوانین توسط نهادها و سازمان‌های مسئول وجود داشته باشد تا مانع بروز مشکلات جدی شود. در ادامه چنانچه قرار بر تصویب قانونی جدید است، از سیاست‌گذاران قوه مقننه انتظار می‌رود تعاملی جدی و سازنده با فعالان صنعتی و نمایندگان بخش تولید ترتیب دهند. بدین ترتیب مشکلات آتی احتمالی ناشی از اجرای قوانین و مقررات مرتفع خواهد شد.

لزوم اصلاح فرآیند مقررات‌گذاری



علی رهبری، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «روزگار معدن» اظهار کرد: قانون‌گذاری امر و فعالیتی سیاسی و در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. از قانون‌گذار انتظار می‌رود به قلمرو اختیارات و همچنین موازین شکلی حاکم بر قانون‌گذاری توجه کامل داشته باشد؛ بر همین اساس در گام نخست، کمیسیون‌های تخصصی لوایح قانونی را موردبررسی و پایش قرار می‌دهند. در همین زمینه کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی موظف است تعاملاتی را با فعالان بخش صنعت برقرار سازد. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز به‌عنوان بازوی تخصصی این نهاد قانون‌گذار، تاثیر بسزایی در اصلاح فرآیند قانون‌گذاری در کشور دارد.

رهبری گفت: مجلس شورای اسلامی در جایگاه قوه قانون‌گذار مطرح است و عملکرد آن تاثیر ویژه‌ای بر شرایط فعالیت صنایع دارد.

عملکرد این قوه محور بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها است. این نهاد علاوه بر قانون‌گذاری وظیفه پایش این مقررات را هم بر عهده دارد.

وی افزود: وجود فرآیندی دقیق برای تدوین قوانین و مقررات به اخذ تصمیمات صحیح ازسوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی کمک می‌کند. چنین فرآیندی توسط قوه قانون‌گذار تعریف شده است. قانون‌گذاران موظفند قبل از تصویب یک قانون جدید نظرات فعالان بخش خصوصی را موردتوجه قرار دهند، با این وجود در عمل به این ماده قانونی توجه کافی نمی‌شود.رهبری گفت: باتوجه به کاستی‌های موجود در فرآیند قانون‌گذاری، شاهد وضع مقرراتی هستیم که در نهایت منتهی به ضرر بخش تولید می‌شود. اصلاح قوانین مصوب بسیار دشوار و حتی زمان‌بر است؛ در نتیجه انتظار می‌رود فرآیند اصولی‌تری در تصویب این مقررات جریان داشته باشد.

این کارشناس اقتصاد گفت: باتوجه به تعدد قابل‌توجه قوانین و مقررات حاکم بر بخش تولید از متولیان امر انتظار می‌رود، مقررات‌زدایی را جزو اصول کاری خود قرار دهند. به این ترتیب بسیاری از بی‌نظمی‌های حاکم بر بخش تولید مرتفع خواهد شد.

وی گفت: مجلس در مقام قوه قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین می‌تواند یاری‌رسان فعالان بخش معدن و صنایع معدنی باشد؛ به‌بیانی دیگر مسیر توسعه را در این بخش هموار کند. با این وجود در طول سال‌های گذشته تعاملی سازنده میان سیاست‌گذاران و تولیدکنندگان برقرار نشده است. در چنین شرایطی شاهد وضع قوانین ناکارآمد در حوزه معدن و صنایع معدنی هستیم؛ بر همین اساس از نمایندگان بهارستان‌نشین انتظار می‌رود با اصلاح شرایط زمینه بهبود عملکرد صنایع را فراهم کنند.

بی‌ثباتی قوانین، مانع برنامه‌ریزی



حسن حسینقلی، فعال معدنی در گفت‌وگو با «روزگار معدن» اظهار کرد: ثبات رویه یکی از مهم‌ترین اصول برای تداوم فعالیت و تولید در صنایع و کسب‌وکارهای مختلف است. ثبات در حوزه معدن و صنایع وابسته به آن از اهمیت به‌مراتب بالاتری برخوردار است، زیرا فعالیت در این بخش عموما زمان‌بر است و با گذر مدت زمان طولانی نتیجه‌بخش خواهد بود.

وی افزود: خواسته فعالان بخش معدن و صنایع وابسته به آن مبنی بر ایجاد ثبات رویه در عمل محقق نمی‌شود. در موارد متعددی شاهد تناقض میان قوانین و مقررات حاکم بر بخش تولید با مصوبات دولت هستیم؛ تناقضاتی که به صدور بخشنامه‌های گوناگون و متضاد منتهی می‌شود. این تغییرات مداوم امکان برنامه‌ریزی برای آینده را از فعالان صنعتی سلب می‌کند و عملا روند فعالیت آنها را تحت‌تاثیر منفی قرار می‌دهد.

حسینقلی گفت: تولید جزو اولویت‌های اقتصادی کشور ما است. در طول سال‌های گذشته و در تعیین شعار سال به مفهوم تولید توجه ویژه‌ای شده است؛ بر همین اساس از سیاست‌گذاران انتظار می‌رفت سیاست‌های خود را با تکیه بر ارتقای توان تولید در حوزه‌های مختلف، تدوین کنند.

عملکرد ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، کمیته رفع موانع تولید و همچنین کمیته تغییر و تحول دولت بر عملکرد صنایع تاثیرگذار است. با این وجود، سیاست‌های اتخاذشده ازسوی نهادهای گوناگون با یکدیگر همخوانی ندارند. این سیاست‌ها حتی با هدف‌گذاری‌های ابتدای هر سال و ارتقای تولید مغایرت دارند.وی گفت: رونق تولید و رفع موانع حاکم بر آن، در چند سال گذشته همواره ازسوی مسئولان و در شعار موردتوجه بوده، اما در عمل سیاست‌هایی خلاف این مسیر اتخاذ می‌شود. از یک سو تناقض‌گویی مسئولان خود مانعی در مسیر تولید است و از سوی دیگر، شاهد تصویب قوانین و مقررات ضدتولید هستیم.

این فعال معدنی با تاکید بر تصویب بخشنامه‌هایی خلاف قانون و ضدتولید اظهار کرد: با اینکه هیچ ممنوعیت قانونی برای ورود ماشین‌آلات معدنی به کشور وجود ندارد و تسهیل فضای کسب‌وکارها در قانون موردتوجه قرار گرفته، در عمل مسئولان سیاست‌هایی خلاف این مقررات وضع کرده‌اند؛ کما اینکه در سال‌های اخیر و تحت تاثیر نظر شخصی مدیران وزارت صنعت، معدن و تجارت ورود ماشین‌آلات معدنی به کشور ممنوع شد. این مصوبه با تغییر دولت و جابه‌جایی سایر معاونان وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز لغو نشد و به این ترتیب کسب مجوز ورود چندصد دستگاه معدنی، بسیار زمان‌بر شده است. فرآیند تصمیم‌گیری و اصلاح مقررات اشتباه در کشور بسیار زمان‌بر است، این در حالی است که مقررات و مصوبات ضدتولید به‌سرعت مصوب می‌شوند و عملکرد صنایع را تحت‌تاثیر منفی قرار می‌دهند.

حسینقلی با اشاره به سابقه وضع عوارض صادراتی روی محصولات تولیدشده در زنجیره صنایع معدنی، گفت: این عوارض از ۲۷ شهریور ۱۳۹۸ مصوب و از اول مهر ماه همان سال نیز اجرایی شد؛ در حالی که قانون یادشده خلاف قانون بهبود مستمر فضای کسب‌وکار بود و انتظار می‌رفت برای اجرای آن، یک بازه زمانی سه‌ماهه تعیین شود. در چنین شرایطی عملا ریسک فعالیت‌های تولیدی در حوزه معدن و صنایع وابسته به آن به‌شدت افزایش یافته است.

حسینقلی در ادامه ورود محصولات فلزی و معدنی به بورس کالا و خریدوفروش محصولات یادشده از بستر بورس کالا را مصوبه دیگری دانست که خلاف قانون است، اما اقدامی برای رفع آن نمی‌شود. الزام به عرضه تمامی محصولات تولیدشده در زنجیره معدن و صنایع معدنی در بورس کالا و کسب مجوز صادراتی پس از این عرضه، اشتباه است. این سیاست مخل فرآیند تولید و تجارت است. فعالان بخش معدن بارها مراتب اعتراض خود را نسبت به این موضوع به نمایندگان مجلس و دولتمردان اعلام کرده‌اند، اما در عمل هیچ اتفاق مثبتی نیفتاده است. وی گفت: بورس کالای ایران خلاف انتظاری که از آن می‌رود، استقلال عمل ندارد و همچنان شاهد تحمیل فشار و حتی قیمت‌گذاری دستوری در فرآیند فروش محصولات در بورس کالا هستیم.

وی در ادامه با اشاره افزایش حقوق دولتی معادن در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ گفت: متاسفانه هر سال در جریان تدوین لایحه بودجه در دولت و تصویب آن توسط مجلس شورای اسلامی، شاهد بروز مشکلات متعددی برای صنعتگران هستیم. تعیین حقوق دولتی معادن، مالیات اختصاص‌یافته به تولید، نرخ سوخت مصرفی صنایع و... همگی مسیر فعالیت صنعتگران را ناهموار می‌کند؛ بنابراین اصلاح این مسیر ضروری به‌نظر می‌رسد.

متاسفانه سیاست‌گذاری‌های غلط و تناقض در بخشنامه‌ها، ضربه‌های جدی به تولید می‌زند و در موارد متعددی، رانت و فساد را به‌دنبال دارد؛ بنابراین تجدیدنظر در این شرایط، یعنی اصلاح روند سیاست‌گذاری و ثبات رویه و هماهنگی بیشتر میان مسئولان ضروری به‌نظر می‌رسد.

سخن پایانی

تصویب قوانین متعدد و متضاد در طول دهه‌های اخیر شدت گرفته و عملکرد صنایع معدنی را تحت تاثیر منفی قرار داده است. این قوانین و مقررات به‌عنوان عاملی دست‌وپا گیر مانع توسعه عملکرد در بخش‌های گوناگون می‌شوند و همچون سدی در مسیر فعالیت تولیدکنندگان عمل می‌کنند؛ بر همین اساس بسیاری از فعالان صنعتی توجه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مقررات‌زدایی را اصل و پیش‌فرضی برای توسعه می‌دانند. علاوه بر این با اشاره به اجرایی نشدن قوانین و مقررات در حوزه‌های گوناگون بر اجرای درست این مقررات تاکید دارند. در چنین شرایطی بازبینی و سپس نظارت بر اجرای قوانین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.



روزگار معدن

صنایع معدنی

یکشنبه
۱۳ آذر ۱۴۰۱
۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۴
۴ دسامبر ۲۰۲۲
سال پنجم ● شماره ۹۷۳

گفت‌وگو

بررسی چالش‌های قانون‌گذاری حوزه معدن مطرح شد:

قوانین اصلاح و روزآمد شوند





گیتا جاودانی

امروز روز قانون اساسی است؛ قانونی که در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان قانون اساسی تصویب و در روز ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به همه‌پرسی عمومی گذاشته شد و به‌تصویب نهایی ملت ایران رسید.

برای گرامیداشت این روز، صفحه معدن روزنامه «روزگار معدن» قوانین و مقررات این بخش و تلاش مجلس برای بازنگری و تصحیح مجدد آن را موضوع روز خود قرار داد.

یکی از گلایه‌های فعالان بخش معدن از قوانین و مقررات معدنی کشور؛ تعدد قوانین، مقررات و بخشنامه‌های مربوط و تعدد مراجع قانون‌گذاری است که پدیده‌ای به نام تورم قوانین ایجاد کرده و موجب افزایش بروکراسی، سردرگمی فعالان معدن و پدید آمدن راه‌هایی برای دور زدن قوانین شده است. برای بررسی بیشتر چالش‌های حوزه قانون‌گذاری در بخش معدن با شهرام شریعتی، فعال معدنی به گفت‌وگو نشستیم.

◉ قانون چه نقشی می‌تواند در تسهیل فرآیندهای تولید بازی کند؟

تورم قانون، مراجع مختلف قانون‌گذاری و نقض مکرر قوانین چه تاثیری روی کار تولیدی به‌ویژه در حوزه معدن دارد؟

در حال حاضر در کشور یک مشکل اساسی وجود دارد که برمی‌گردد به این جمله که نمی‌دانم منبع آن کیست؛ اما می‌گوید در جامعه بی‌قانون، رعایت کردن قانون یک‌جور بی‌قانونی است.

در ادبیات قانون‌گذاری کشور هم،چنین اتفاقی افتاده است. شاید تعدد قوانین موجود، تعدد قوانین وضع‌شده مجلس به‌عنوان ارگان قانون‌گذاری و قوه مقننه و بقیه بخش‌ها،در عمل تورم قانونی به‌وجود آورده است که در نتیجه آن، یک نوع هرج‌ومرج و بی‌قانونی به‌وجود بیاید.

به‌عبارت‌دیگر، تعداد مواد و تبصره‌هایی که تعیین می‌کنند، چه سازکار و چه راهی را برای رسیدن به اهداف کلان کشور داریم، ختم به‌نوعی بی‌قانونی شده است. به‌عنوان‌مثال تورم قوانین؛ در هر زمینه‌ای از صنعتی و معدنی گرفته تا حوزه‌های دیگر اقتصادی، آن‌قدر تعدد قوانین وجود دارد که به‌راحتی می‌توان قاتل را تبرئه کرد و یک انسان بی‌گناه را محکوم به اعدام کرد. یک‌سری قوانین کلان در هر کشوری وجود دارد که نام آن را نقشه‌راه می‌گذارند. حالا آن قوانینی که به آن برنامه ۵ ساله گفته می‌شود که امروز به برنامه هفتم رسیده است یا آنهایی که از طریق مجمع تشخیص مصلحت می‌آیند،همگی یک‌سری اصول و مشخصات و نقشه‌راه کلانی را در بخش صنعت ایجاد می‌کنند و می‌گویند قوانین براساس این ایجاد بشود و به‌سمت جلو حرکت کند. وقتی به عقب برمی‌گردیم، می‌بینیم که قوانین معدنی کشور آن‌قدر عقب‌افتاده است و آن‌قدر غیرکارشناسی است که ختم به هیچ محصولی (منظور دستاورد قانونی) نخواهد شد و آن‌قدر راه‌ها قدیمی است و شاخه‌های متعدد دارد که خواه‌وناخواه ختم به آنچه ما می‌گوییم سیاست‌های کلان کشور در بخش معدن یا صنعت، نخواهد شد.

بنابراین باید قوانین اصلاح شود. از طرف دیگر، این قوانین با یک‌سری آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های اضافه مخلوط می‌شوند و در عمل ملغمه‌ای ایجاد می‌شود که با آنها نمی‌توان موضوعات کلان کشور را اداره کرد.

◉ چطور تا امروز اداره شده است؟

در حال حاضر حوزه معدن بخشی از جی‌دی‌پی را دارد؛ بخش از آن مربوط به نوآوری بخش خصوصی است و بخشی دیگر مربوط به آدم‌های خصوصی است که به‌عنوان پیمانکاران یا مشاوران شرکت‌های دولتی کار می‌کنند.

از طرف دیگر، ما برای بخش معدن هزینه زیادی صرف می‌کنیم. به‌عبارت‌دیگر، اگر هزینه معقول و منطقی انجام کاری A ریال باشد، ما در حوزه معدن A به توان a ریال را هزینه می‌کنیم و خروجی آن چیزی می‌شود که امروز در دست داریم. یعنی آن چیزی که به‌عنوان محصول نهایی باید برای آن هزینه کنیم، بسیار گران تمام می‌شود و در عمل تمام بخش‌های تکنولوژیک کشور را گران اداره می‌کنیم و در بخش معدن و صنعت هم داریم، کشور را گران اداره می‌کنیم، زیرا توان مدیریت بهینه را نداریم و با هزینه‌هایی بسیار بیشتر محصول نهایی را تولید می‌کنیم.

◉ اگر فرآیند قانون‌گذاری اصلاح شود و یک قانون جامع‌ومانعی تصویب بشود، چه تاثیری می‌تواند روی حل‌وفصل مشکلاتی که به آن اشاره کردید، داشته باشد؟

درست است که فرض محال، محال نیست، اما به‌عقیده من، با وضع موجود، چنین اتفاقی نمی‌افتد، زیرا به غیر از مرکز پژوهش‌ها که ممکن است یک تعداد کارشناس معدنی داشته باشد، در مجلسی که هیچ کارشناس معدنی به‌عنوان نماینده ندارد، می‌تواند چه قانونی تدوین کند؟

وقتی کارشناس مشخص، آن‌هم کارشناسی که علاوه بر تخصص، کار عملی هم در این حوزه کرده باشد و با تب‌وتاب موضوعات معدنی آشنا است و مشکلات را از نزدیک لمس کرده، در ترکیب نمایندگان تصمیم‌گیر وجود ندارد، چطور انتظار می‌رود، خروجی آنها در زمینه قانون‌گذاری درست و گره‌گشا باشد!

روالی که در مسیر تدوین قوانین طی می‌شود، این است که یک‌سری کارشناس را از بیرون به‌مشورت می‌گیرند و ملاک انتخاب آنها تنها این است که فرد ۴ سال در دانشگاه درس این رشته را خوانده است، اما روشن است که این فرد نمی‌تواند راه‌حل درستی برای مشکلات معدن پیدا کند.

باتوجه به این دلایل و به‌طور قطع و یقین می‌گویم این روند مناسبی برای قانون‌گذاری در بخش معدن نخواهد بود، زیرا امکانات لازم را برای این کار ندارد.

حال برگردیم به این موضوع که فرض محال، محال نیست. اگر قرار باشد نقشه‌راه و سیاست‌های کلان کشور در بخش معدن را به‌عنوان چراغ راه قرار بدهیم و تلاش کنیم چالش‌های مسیر دستیابی به آن را برطرف کنیم، آن موقع ممکن است ختم به اتفاق سازنده شود، اما در حال حاضر آن‌قدر بخش معدن دچار مشکلات بزرگی شده است که مجلس قادر به درک همه ابعاد آن نیست.

مجلس با نگاه قانون‌گذاری نمی‌تواند مشکلات آنهایی را که دارند سر زمین کار می‌کنند، در حوزه صادرات فعال، درگیر تامین ابزار و ماشین‌آلات یا در بخش‌های دیگر با چالش‌های متعددی دست‌به‌گریبان هستند، حل کند.

مثل آن است که کسی دکترای گیاه‌پزشکی داشته باشد و از او توقع جراحی مغز داشته باشیم. صرف اینکه طرف دکتر گیاه‌پزشک است، نمی‌تواند دست به چاقو ببرد و عملی بسیار خطرناک انجام دهد.

مجلس ما هم، در حوزه معدن چنین جایگاهی دارد. توانایی و تخصص لازم را ندارد و بنابراین با درصد احتمال بالا در اصلاحیه‌های جدید قانون معادن هم گرهی از مشکلات بخش معدن بازنخواهد شد.

> قانون‌گذار باید گوش شنوایی برای شنیدن مشکلات فعالان بخش معدن داشته باشد

اعضای کمیسیون صنایع و معادن که می‌گویند برای بازنگری قانون معادن، جلسات متعددی با نمایندگان تشکل‌های معدنی، سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط، مسئولان مربوط در وزارت صمت و کارشناسان داشته‌اند.

بازهم چشم‌انداز مثبتی پیش‌رو نمی‌بینم. خود من از طرف خانه صنعت و معدن نماینده بخش خصوصی در مجلس هستم و بنابراین باید در جلسات بررسی قانون معادن حضور پیدا می‌کردم و مجالی برای اظهارنظر داشتم.

چند بار از ما خواستند که در جلسات حضور پیدا کنیم و نظرات‌مان را بگوییم؟ از طرف تشکل خانه صنعت و معدن می‌گویم که هیچ جلسه کارشناسی مشخصی با ما برگزار نشده است. به‌شخصه یک‌بار در یک سال گذشته به دعوت کمیسیون صنعت و معدن به مجلس رفتم که در آن جلسه هم، صحبتی درباره بازنگری قانون نشد.

به‌نظر من، از بخش خصوصی و تشکل‌ها به‌عنوان مهر تاییدی بر تصمیمات اتخاذشده استفاده می‌کنند.

وقتی پای بازنگری قانون به‌میان می‌آید، باید نظر نمایندگان تمامی بخش‌های معدنی، تشکل‌ها، دانشگاه‌ها و... را تجمیع کرد و از میان آنها به نتیجه مطلوب رسید.

از یک‌طرف گفته می‌شود که باید قوانین اصلاح و روزآمد شوند و از طرف دیگر، می‌گویند تغییر قوانین، فعالان این حوزه را دچار سردرگمی و بر حجم بروکراسی اداری اضافه می‌کند و مسائلی ازاین‌دست. این تناقض را چگونه باید حل کرد؟

قبل از اینکه قوانین بخواهد اصلاح بشود، به‌نظر من، زیرساخت‌ها باید اصلاح و در مرحله بعد قوانین باتوجه به ضروریات و امکانات موجود حل شود.

قوانین ما در حال حاضر بیشتر شبیه بخشنامه هستند. وقتی قانونی هرچند سال یک‌بار اصلاح می‌شود، کارکردی در حد بخشنامه دارد. در بسیاری از کشورها می‌بینیم که قانون چند ده سال به قوت خود باقی می‌ماند.

از طریق رسانه شما، می‌خواهم به این نکته اشاره کنم و امیدوارم گوش شنوایی وجود داشته باشد. چند روز پیش، به دعوت کمیسیون اقتصادی به مجلس رفتیم و در آن نشست به‌همراه ۲ تن از اعضای خانه‌معدن ایران و کمیسیون معدن و صنایع‌معدنی اتاق بازرگانی ایران، موضوع پنجره واحد را دوباره مطرح کردیم و از آنها خواستیم بار سنگین صدور مجوزها را از شانه بخش خصوصی بردارند.

بخش خصوصی در مزایده برنده و بعد تازه، کار آغاز می‌شود و باید دوندگی کند و مجوز محیط‌زیست، منابع طبیعی، نیروی انتظامی و... بگیرد. اگر قرار است قوانین اصلاح شود، باید تمرکز را روی نقاط کلیدی بگذارند. یکی از کلیدی‌ترین موضوعات این است که پنجره واحد صدور مجوز ایجاد شود.

قانون‌گذار باید گوش شنوایی برای شنیدن مشکلات فعالان بخش معدن داشته باشد. مشکل بخش خصوصی این نیست که دولت قادر نیست حقوق دولتی را مطابق قانون هزینه کند، چرا منابع طبیعی مجوز نمی‌دهد یا تعارض منافع بین بخش‌ها را چگونه باید حل کرد و... .

این مشکل باید در بخش سیاست‌گذاری و دولتی حل شود. باید پنجره واحدی ایجاد و در قالب آن، همه مجوزها اخذ شود.

قانون باید سنگ‌ها را از پیش پای تولید بردارد و ما بارها نظرمان را درباره فرآیند صدور مجوزها اعلام کرده‌ایم. در تمام جلسات ستاد تسهیل و جلسات صمت استان‌ها، بزرگ‌ترین مشکلی که وجود دارد، مربوط به فرآیند صدور مجوز در منابع‌طبیعی و محیط‌زیست است.

چندین سال است که بخش خصوصی، این مشکل را فریاد می‌زند، اما مجلس آن را نشنیده گرفته و نه از کارشناسی نظرخواهی شده و نه تغییری در قوانین به‌وجود آمده است. با اطمینان بالا می‌توانم بگویم در فرآیند اصلاحات اخیر هم، همان قانون قبلی با تغییراتی جزئی در صحن علنی طرح می‌شود و رأی می‌آورد، زیرا اگر اعضای کمیسیون صنایع و معادن از نظر من بخش خصوصی، تخصص لازم را برای بازنگری قانون معدن را ندارند، انتظار نمی‌رود که در صحن علنی تخصص لازم را داشته باشند.

◉ چقدر از این مشکلات خارج از حیطه مسئولیت قانون‌گذار و مربوط به بخش اجرایی است؟

قرار نیست که ما آتش را از نو کشف و چرخ را از نو اختراع کنیم. کافی است، ببینیم دیگر کشورها چه‌کاری انجام داده‌اند و ما هم از آنها الگوبرداری کنیم.

◉ چین یکی از کشورهای بزرگ معدنی جهان است. برای حل چالش معدنکاری و محیط‌زیست خود چه کرده است؟ همین‌طور استرالیا، کانادا و دیگر کشورها؛ اشکالی ندارد که ما تجربیات آنها استفاده کنیم؟

به‌عقیده من، کوتاهی از وزارتخانه هم هست، زیرا قدرت کافی ندارد تا جلوی سنگ‌اندازی‌های فراقانونی نهادهای دیگر را بگیرد.

برای مثال، سازمان محیط‌زیست هر پرسش و اعتراضی را به پروتکل ارجاع می‌دهد، اما کسی نمی‌داند منظور کدام پروتکل است؟ معاونت معدنی باید برای گرفتن حقوق بخش معدن بجنگد. متاسفانه جنگندگی در میان مدیران بخش‌های کلان کشور به چای خوردن پشت یک میز ختم می‌شود و به‌این‌ترتیب مشکل معدنکاری که در ۴۰۰ کیلومتری کرمان یا ۶۰۰ کیلومتری یزد مشغول به کار است، حل نمی‌شود.

◉ باید چه بخشی از قوانین تصحیح و مشکل حل شود؟

به‌طورمشخص، باید مشکلات صدور مجوزها برعهده دولت گذاشته شود، یعنی وقتی مجوز معدنکاری به کسی داده شد، دیگر هیچ نهاد و سازمانی اجازه کارشکنی و ممانعت از کار را نداشته باشد؛ این مشکلاتی است که باید در بخش قانون‌گذاری حل شود، اما نمی‌شود.

تا جایی که من در جریان هستم، مسئولان سازمان محیط‌زیست با همکاری سازمان زمین‌شناسی، اقداماتی در راستای تهیه پیش‌نویس ضوابط محیط‌زیستی در معدنکاری تهیه کرده‌اند، اما کار در معاونت معدنی گره خورده است.

اختلافات بخش‌های بالادستی به معدنکار بخش خصوصی ارتباطی ندارد. از نظر معدنکار محیط‌زیست و منابع طبیعی، سازمان انرژی اتمی، وزارت صمت و همه ارگان‌ها و نهادهای ذی‌ربط زیر عنوان کلی دولت قرار می‌گیرند. آنها باید مشکلات‌شان را با خود حل کنند، در حالی که در میانه دعوا و کشمکش آنها فعال بخش خصوصی آسیب می‌بینند. تا زمانی که آنها بخواهند با هم کنار بیایند، معدندار بخش خصوصی ورشکست شده است. شاهد این مدعا چند صد معدن متروکه و فعالان ورشکست‌شده هستند که روی دست این بخش مانده‌اند. مگر تعداد مدیران و مسئولان در تمام زیرمجموعه معدنی وزارت صمت، محیط‌زیست، منابع طبیعی و ارگان‌های ذی‌ربط چقدر است که نمی‌توانند دورهم جمع شوند و اختلافات خود را حل کنند؟ چرا این موضوع یک‌بار برای همیشه تمام نمی‌شود؟ هر دولتی که روی کار می‌آید، همین کشمکش‌ها وجود دارد و دود آن به چشم معدندار بخش خصوصی می‌رود.

◉ به نظر شما آیا پاکسازی قانون هرچند وقت یک‌بار لازم است؟

از نظر من، اگر ساختمانی محکم ساخته شود، ممکن است ۷۰ سال کار کند. در کشورهایی که ثبات اقتصادی وجود دارد، ممکن است قوانین صنعتی و معدنی آنها ده‌ها سال عمر کند.

اما در کشور ما به‌دلیل اینکه مشکل تحریم‌ها پیش آمد، لازم بود که اصلاحاتی انجام شود. به‌طورکلی اگر قوانین در مسیر تعالی و پیشرفت باشد، شاید لازم باشد ۵ سال یک‌بار تغییر کند. قانون متعالی هم به این معنی نیست که تبصره‌های آن بیشتر شود؛ بلکه باید محکم‌تر بشود، اما قوانین در کشور ما حداقل از سال ۷۷ که قانون اول معادن در کشور تدوین شد و بعد در سال ۹۰ مورد بازنگری قرار گرفت و تا به امروز رسید، قوانین محکمی نبوده‌اند.

یادداشت

تامین امنیت اقتصادی برای سرمایه‌گذاری



داریوش اسماعیلی
فعال معدنی

مهم‌ترین پیشران اقتصادی در کشور ما بخش معدن است، اما تاکنون چنان که باید و شاید، موردتوجه و عنایت قرار نگرفته است.

در دوره تحریم، به‌وضوح روشن شد که این حوزه اقتصادی، در مقایسه با دیگر حوزه‌ها، قدرت مانور و گریز بیشتری دارد. در دوران تحریم، منابع عمده تامین ارزی کشور ما عبارت بود از صادرات تولیدات زیرمجموعه مس، صنایع فولادی و در نهایت محصولات پتروشیمی که نقش خود را در اقتصاد مقاومتی نشان داد، بنابراین می‌توان با تمرکز در حوزه معدن، پروژه‌های پیشران اقتصادی تعریف و مواد معدنی مختلف را اکتشاف و استخراج کرد، در گام دوم، فرآوری انجام داد و در نهایت از محصولات به‌دست‌آمده برای توسعه صنایع معدنی بهره برد.

تامین امنیت اقتصادی یکی از حوزه‌هایی است که ما به‌شدت به آن نیاز داریم و باید در بازنگری قانون به‌وضوح به آن پرداخت.

نباید شرایط به‌گونه‌ای باشد که بخش خصوصی معدنکاری سرمایه‌گذاری و در منطقه دورافتاده‌ای هزینه کند، اما در آستانه رسیدن به نتیجه، تعدادی از افراد به‌شخصه یا تحت‌تاثیر تحریک عده‌ای دیگر، جلوی سرمایه را بگیرند.

این نبود امنیت اقتصادی است که باعث شده سرمایه‌های قابل‌توجهی به‌سمت معدن نرود. در حال حاضر کار به‌جایی رسیده که در برخی استان‌ها، شورای تامین، استانداری یا دیگر مسئولان می‌گویند ما اجازه خروج ماده معدنی از منطقه خود را نمی‌دهیم. این چه معنایی دارد؟ بر این اساس، خوزستان هم می‌تواند بگوید نفت نباید از استان خارج شود یا تولیدات دیگر از شهرستان‌های دیگر...این بنای نادرستی است که در بخش معدن گذاشته شده و به‌طورحتم باید در سیاست‌های توسعه برای حل آن تدابیری اندیشید.بر این اساس، مسئولیت مجلس ـ به‌عنوان نهاد قانون‌گذار ـ برای بسترسازی و کمک به رشد و توسعه این حوزه، مسئولیتی سنگین‌تر از پیش شده است.

البته وقتی از بخش معدن صحبت به‌میان می‌آید، فرآیندی مدنظر است که مرحله اکتشاف تا پایان زنجیره تولید و به‌دست آوردن محصول نهایی را در بر می‌گیرد، زیرا اگر منظور از فعالیت در این حوزه، استخراج و خام‌فروشی باشد که هیچ ارزشی نخواهد داشت، اما وقتی فعالیت در حوزه معدن و صنایع معدنی همراه با هم و به‌صورت یک زنجیره مدنظر قرار بگیرد و کامل شود، به‌طورقطع می‌تواند به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین حوزه‌های صنعتی در حیات اقتصادی کشور نقش‌آفرینی کند. نمایندگان منتخب ملت در این نهاد قانون‌گذاری وظیفه دارند، مسیر قطار اقتصادی را ریل‌گذاری کنند تا در راستای منافع مردم حرکت کند و پیش برود، بنابراین باید ارتباط خوب و مناسبی را با بخش معدن، به‌ویژه فعالان بخش خصوصی ایجاد کنند. این ارتباط باید از طرف مجلس و کمیسیون صنایع و معادن، هم با مجموعه دولت، وزارتخانه و به‌ویژه معاونت امور معادن و سیاست‌گذاران این عرصه در داخل سیستم دولتی برقرار شود و هم با بدنه صنعت و نمایندگان آن در انجمن‌ها و تشکل‌های فعال این حوزه. در دنیای امروز ثابت شده است که کار تصدیگر، باید از دوش دولت برداشته شود و به بخش خصوصی سپرده شود تا در جایگاه تنظیم‌کننده و ناظر قرار بگیرد.

وی افزود: خوشبختانه کشور ما هم به این سو جهت‌گیری کرده، بنابراین اگر بنا بر این است که قوانینی اجرایی و کارآمد، تصویب شود، باید مخاطب این قوانین (که وظیفه دارند به آنها جامه عمل بپوشانند و در برابرش پاسخگو باشند) طرف مشورت قرار گیرند. اسماعیلی گفت: بر این اساس، کمیسیون صنایع و معادن مجلس و فراکسیون‌های بخش صنعت و معدن باید به‌شکل دائمی و بی‌وقفه با تشکل‌های مردم‌نهاد فعال در بخش معدن، شرکت‌هایی که در این حوزه مشغول کار هستند، دانشگاه‌ها و استادان و متخصصان رشته معدن ارتباط داشته باشد. اگر چنین شود، امید می‌رود معدن و صنایع معدنی موفق خواهند شد، نقش خود را به‌عنوان پیشران اقتصادی کشور به‌خوبی ایفا کنند.

روزگار معدن

یکشنبه ● ۱۳ آذر ۱۴۰۱ ● ۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۴ ● ۴ دسامبر ۲۰۲۲ ● سال پنجم ● شماره ۹۷۳

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و هنری روزگار وصل

مدیر مسئول و سردبیر: ناصر بزرگمهر

فنی و هنری: مهدی نجفی

نمایندگی دفتر اروپا: چکاوک بزرگمهر

آدرس: تهران- میدان هفتم تیر- خیابان قائم مقام فراهانی- پلاک ۷۴

تلفن: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - تلفن همراه: ۰۹۹۹۱۹۵۷۶۱ -نمابر: ۸۸۷۱۳۷۳۰

پیامک: ۳۰۰۸۲۱۹۰ - ایمیل سازمان آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com

توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵

چاپ: هنر سرزمین سبز

www.Madandaily.com

www.instagram.com/Madandaily
www.twitter.com/Madandaily
www.t.me/Madandaily
E-mail:info@madandaily.com
tozi.smtnews@gmail.com

بررسی «روزگار معدن» از عملکرد شرکت پویاانرژی

دولت به عملکرد بخش خصوصی اعتماد کند

گروه معدن

بخش خصوصی با تغییر نگاه و استراتژی‌های خود ورود به حوزه‌های تخصصی را آغاز کرده است که می‌تواند سرعت توسعه در بخش معدن و صنایع معدنی را افزایش دهد. در این بین، شرکت پویا انرژی می‌تواند در حوزه تامین برق مانند یک ناجی برای صنعت فولاد کشور ایفای نقش کند. به‌گزارش «روزگار معدن»، صنعت برق در سال‌های اخیر با چالش جدی در حوزه تامین برق مواجه شده است که در صورت برنامه‌ریزی کارشناسی می‌توان شاهد برهم خوردن برنامه‌های تولیدی در مجموعه‌های فولاد بود.



عکس: روزگار معدن

سال‌ها قبل، در اختیار داشتن منابعی همچون منابع سنگ‌آهن، گاز، نیروی انسانی و... باعث شد تا تولید ۵۵ میلیون تن فولاد در دستور کار قرار بگیرد که با افزایش سرانه مصرف فولاد بخشی از آن صرف تامین نیاز داخلی و بخشی دیگر راهی بازارهای صادراتی شود و بتواند با ارزآوری، میزان درآمدهای حاصل از صادرات غیر نفتی را افزایش دهد، اما در ادامه چه اتفاقی رخ داده که زنجیره ارزش فولاد با چالش همراه شد؟ تمرکز ویژه بر حلقه فولاد باعث شد تا اکتشافات آن‌طور که باید موردتوجه قرار نگیرد و چالش تامین مواد اولیه پیش‌روی فولادی‌ها قرار بگیرد، اما با ورود فولادی‌ها به بخش معدن و سرمایه‌گذاری در توسعه معادن و شروع اکتشافات جدید می‌توان به سال‌های پیش‌رو امیدوار بود. از سویی دیگر، موضوع واردات سنگ‌آهن نیز می‌تواند به کمک آنها آمده و مشکل در این بخش را حل کند، اما همان‌طور که اشاره شد، تامین انرژی توانسته به یک مانع جدی در مسیر توسعه صنعت فولاد تبدیل شود، اما در این‌باره نیز مجموعه‌های فولادی دست به کار شده و با ورود به حوزه ساخت نیروگاه یا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های تعمیرات برای افزایش ظرفیت، تلاش می‌کنند برق موردنیاز خود را تامین کنند. متاسفانه در سال‌های اخیر، کمبود برق در فصل تابستان و قطع برق واحدهای تولیدی فولاد باعث شده تا برنامه‌های تولیدی دستخوش تغییر شوند. این در حالی بود که در فصل زمستان نیز کمبود گاز گریبانگیر فولادی‌ها می‌شود و مسیر پرچالشی را پیش‌روی آنها قرار می‌دهد.

اما در این میان، نوع نگاه در برخی مجموعه‌ها باعث می‌شود که نگرانی‌ها درباره تامین انرژی کاهش پیدا کند، زیرا آنها توسعه را در تمامی جوانب پیش می‌برند.

الگویی برای سایر بخش‌های خصوصی

نمونه‌ای موفق از این موضوع که می‌تواند الگویی برای سایر بخش‌های خصوصی باشد، برنامه‌ریزی‌های انجام‌گرفته در شرکت سرمایه‌گذاری توسعه معادن و فلزات است که با تغییر نگاه خود، علاوه بر توسعه در بخش‌های دیگر همچون اکتشافات، مس، زغال‌سنگ و عناصر نادر خاکی را در کنار توسعه زنجیره ارزش فولاد پیش ببرد. اما اهمیت تامین انرژی تا جایی پیش رفت که شرکت پویا انرژی نیز در زیرمجموعه «ومعادن» شکل گرفت تا موضوع تامین انرژی را به‌صورت اختصاصی پیش ببرد. نگاه «ومعادن» در توسعه فعالیت‌های معدنی به این صورت است که باید هر موضوع به‌صورت تخصصی در دستور کار قرار بگیرد تا نتیجه موردنظر حاصل شود. به هر حال، نگاه به عملکرد این مجموعه حاکی از همین موضوع است.

پروژه توسعه نیروگاه گازی شهید باکری

پروژه توسعه نیروگاه گازی شهید باکری سمنان یکی از مهم‌ترین پروژه‌های در دستور کار این شرکت است که در فهرست ۴۸ پروژه پیشران اقتصادی نیز قرار گرفته است.

این طرح شامل ۲ نیروگاه گازی با ظرفیت تولید در مجموع ۳۶۶ مگاوات برق است که به ظرفیت قبلی نیروگاه افزوده می‌شود و برای اجرای آن حدود ۸۰ میلیون یورو سرمایه‌گذاری شده و متخصصان توانمند داخلی در قالب شرکت مپنا، طراحی و اجرای آن را برعهده دارند. فاز اول این نیروگاه ۱۸۰ روز زودتر از موعد قرارداد تحویل داده شده که از حیث سرعت به‌نوعی رکوردشکنی در کشور به‌حساب می‌آید.

اعتماد به بخش خصوصی

اما چه دلیلی باعث شد تا این مجموعه در بهره‌برداری از فازها به رکوردشکنی دست پیدا کند؟

اعتماد به بخش خصوصی توانمند می‌تواند توسعه را با سرعت همراه و از سویی دیگر، چالش‌های موجود را به مرز حل شدن نزدیک کند. در بحث تامین انرژی، وزارت صنعت، معدن و تجارت در کنار وزارت نیرو، به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توانند با استفاده از توان بخش خصوصی این مشکلات را حل و انرژی لازم برای صنایع را تامین کنند. این توانمندی باعث شد تا دولت در تامین ۱۰ هزار مگاوات برق، مشارکت شرکت‌های معدنی و صنایع معدنی را به‌کار بگیرد و با سرمایه‌گذاری آنها، به اجرای این پروژه‌ها سرعت بخشد.

حال در این بین، وجود مجموعه‌ای تخصصی که در حوزه انرژی فعالیت خود را آغاز کرده است، می‌تواند به روند اجرای کار سرعت بخشیده و با نگاهی تخصصی در این حوزه پیش رود، در واقع نگاه تخصصی می‌تواند در شرایط فعلی همچون ناجی به کمک بخش معدن آمده و کار را برای فولادسازان آسان کند.

نگاه تخصصی در مجموعه پویاانرژی

نگاه تخصصی در مجموعه پویا انرژی می‌تواند در همکاری با دیگر شرکت‌های معدنی و صنایع معدنی نیز به مرحله اجرا برسد و همکاری‌های جدیدی را شکل دهد.

اما در کنار این موضوع، دولت نیز باید در بخش‌های مختلفی از جمله تعیین نرخ فروش انرژی با حل مشکل، به حمایت از چنین مجموعه‌هایی پرداخته و شرایط را برای ادامه توسعه فراهم کند. به هر اندازه که بخش خصوصی پای کار آمده و برای حل چالش‌ها اقدام به سرمایه‌گذاری کند، باز هم در این بین، نیازمند همراهی بخش دولتی و تعامل میان وزارت صمت و نیرو هستیم تا بخش معدن به‌ویژه زنجیره ارزش بتواند توسعه را محقق و به هدف‌گذاری‌های انجام‌گرفته دست پیدا کند.

> تمرکز ویژه بر حلقه فولاد باعث شد اکتشافات آن‌طور که باید موردتوجه قرار نگیرد و چالش تامین مواد اولیه پیش‌روی فولادی‌ها باشد

نگاه توسعه‌ای در مجموعه‌های خصوصی

نگاه توسعه‌ای در مجموعه‌های خصوصی با حمایت سهامداران می‌تواند منجر به اتفاقات خوبی در بخش معدن شود، اما توجیه اقتصادی برای ادامه مسیر از مهم‌ترین فاکتورهایی است که منجر به ادامه حضور بخش خصوصی در حوزه معدن و صنایع معدنی می‌شود. قائم‌مقام مدیرعامل شرکت پویا انرژی در گفت‌وگویی بیان کرده است: ما موفق شدیم در زمستان سال گذشته، قراردادی را با گروه مپنا امضا کنیم و اجرای ۲ واحد گازی بلوک دوم نیروگاه سمنان را آغاز کنیم. خوشبختانه از اسفند باتوجه به شرایط قرارداد حمل توربین اول آغاز شد که شرایط بسیار خاصی را برای ما رقم زد، چرا که اگر قرار بود یک روال عادی را طی کنیم، نزدیک به ۱۰ الی ۱۲ ماه ثبت سفارش توربین زمان می‌برد، اما باتوجه به شرایط قرارداد و تزریق نقدینگی از سوی «ومعادن» توربین اول بلافاصله حمل شد.

سخن پایانی

موارد یادشده نشان می‌دهد بخش خصوصی می‌تواند در تامین برق عملکرد موفقی از خود به‌جای بگذارد و با حضور این پروژه‌ها در بین پیشران‌های اقتصادی، منجر به توسعه کشور شود، اما باید موانع موجود همچون تعیین نرخ فروش انرژی حل شود تا شاهد اجرای چنین پروژه‌هایی در کشور باشیم.

سرگیجه صنعتگران از قوانین ضدتولید

گروه معدن: در میان انبوهی از قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌هایی که به‌منظور فعالیت‌های اقتصادی در کشور وجود دارد، دو قانون یعنی قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار و قانون رفع موانع تولید، به‌طور خاص به‌منظور تسهیل فعالیت‌های اقتصادی، تولیدی و نیز مشارکت بخش خصوصی تصویب و ابلاغ شده است، اما آنچه تاکنون از کارکردهای این دو قانون برمی‌آید، نشان می‌دهد میزان بهره‌وری آنها برای تسهیل مشارکت اقتصادی و نیز رفع موانع تولید آنچنان مطابق با هدف‌گذاری اولیه آن نبوده است.

البته به‌گفته کارشناسان، نه اینکه این دو قانون به‌طور کامل شکست‌خورده تلقی شود، اما بررسی‌ها نشان می‌دهد در چند سالی که این قوانین ابلاغ شده‌اند، ورودی و خروجی‌ها تقریبا مشخص بوده، اما بهره‌وری ناشی از این فرآیند سیستمی به‌طور دقیق مشخص نیست.

۱۸۶ هزار قانون مخل تولید

به‌طور کلی، اغلب کارشناسان اقتصاد یکی از عمده دلایل مشکلات در فعالیت‌های تجاری و صنعتی را مربوط به بحث قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌ها می‌دانند. طبق گفته این کارشناسان در ایران حدود ۱۸۶ هزار قانون مخل فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی وجود دارد. قوانینی که هر یک در نفس خود در راستای رفع موانع و مشکلات ایجاد شده‌اند، اما با توجه به حجم آنها و نیز تعدد تصمیم‌گیرندگان، در بسیاری از مواقع ضدونقیض و مانع فعالیت اقتصادی هستند. بسیاری از فعالان تولیدی معتقدند قوانین در ایران ضدتولید هستند. به‌عنوان مثال، قانون کار یا قانون تجارت که مربوط به دهه‌ها قبل است، اما شواهد نشان می‌دهد زمانی که این قانون اصلاح و بازنگری شده، نه‌تنها موانع رفع نشده، بلکه مشکلات جدیدتری نیز پیش‌پای فعالان تولیدی قرار گرفته است. یکی دیگر از این مشکلات فرآیندهای مربوط به راه‌اندازی یک کسب‌وکار جدید است که این امر نیز در ایران طی بروکراسی‌های پیچیده دولتی و نیز در سایه قوانین سبب‌شده تا ایران در ردیف آخرین کشورهای سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار باشد. به‌عنوان نمونه در فرآیند راه‌اندازی یک بنگاه صنعتی در مرحله نخست نیاز به اخذ جواز تاسیس است که این مرحله دارای ۹ آیتم بوده و تقریبا ۲۰ روز زمان می‌برد. پس از این مرحله، نوبت به خرید زمین، اخذ پروانه ساختمان و تامین آب و برق می‌رسد و در صورت نیاز به پروانه بهره‌برداری نوبت به گذراندن ۶ آیتم و ارائه حدود ۲۰ مدرک می‌رسد که اگر تمامی مدارک کامل باشد، بین ۱۰ روز تا یک سال پروسه پروانه بهره‌برداری زمان می‌برد. این در حالی است که اکنون در سایر کشورها مانند نیوزیلند رقابت بر سر صدور پروانه کسب‌وکار زیر ۲۰دقیقه است و همین امر سبب می‌شود بیش از ۱۵۰ کشور اکنون نسبت به ایران در اولویت سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی کسب‌وکار قرار بگیرند.



عکس: روزگار معدن

قوانین موجود، مانع اصلی رونق تولید



رئیس خانه صنعت و معدن استان فارس گفت: مجلس و تصویب قوانین و مقررات دست و پاگیر عاملی است که موجب شده چرخ اقتصاد در کشور با سرعت مناسبی حرکت نکند.

سهراب شرفی در گفت‌وگو با مهر بیان کرد: سال‌هاست فعالان اقتصادی فریاد سر می‌دهند که موانع و مشکلاتی در حوزه تولید وجود دارد و باید این مشکلات از سوی نهادهای متولی برطرف شود، اما تاکنون نه مجلس به‌دنبال برطرف کردن مشکلات واحدهای تولید و تولیدکنندگان بوده و نه دولت نگرانی برای برطرف کردن مشکلات بخش خصوصی داشته است. وی اضافه کرد: اینکه رهبر معظم انقلاب اقدام به نام‌گذاری سال مبتنی بر مانع‌زدایی و پشتیبانی از تولید می‌کنند نشان‌دهنده آن است که منظور ایشان برطرف کردن مشکلات و قوانین موجود توسط مجلس است اینکه ۱۳ هزار قانون ناکارآمد در مجموعه قوانین وجود دارد نشان‌دهنده آن است که مجلس نقش خود را در برطرف کردن مشکلات واحدهای تولیدی با تصویب قوانین تسهیل‌کننده صادرات به‌درستی انجام نداده است. شرفی افزود: آنقدر قوانین و مقررات دست‌وپاگیر در کشور وجود دارد که هرقدر قانون جدید توسط مجلس تصویب شود، توسط قانون دیگری که در کتاب قانون آمده و سالیان قبل یا در دوره حاضر تصویب شده آن را نقش می‌کند. این در حالی است که اگر دولت و مجلس قانونی را به‌درستی اجرایی نکنند هیچ فردی از آنان مطالبه‌گری نخواهد کرد، اما اگر بخش خصوصی نتواند یک قانون را به‌درستی انجام دهد نهادهای نظارتی در کوتاه‌ترین زمان به موضوع ورود می‌کنند. این فعال اقتصادی در ادامه بیان کرد: با توجه به شرایط موجود و عدم‌اهتمام دولت و مجلس بر توسعه اقتصاد نباید انتظار داشت فرامین رهبر معظم انقلاب محقق شود، زیرا با شرایط موجود نمی‌توان آینده‌ای را برای اقتصاد کشور متصور شد این در حالی است که در کشور شاهد ایجاد کارگروه رفع موانع تولید هستیم که این کارگروه بیانگر شرایط جنگی اقتصادی است. شرفی اظهار کرد: مجلس که خود به‌تنهایی یکی از سدهای اصلی پیشرفت اقتصاد است، اما دولت نیز از تعدد قوانین در حوزه صنعت استقبال کرده و هیچ‌گونه فعالیتی برای کاهش معضلات موجود در حوزه تولید نکرده، با این حال شعار افزایش تولید نیز سر می‌دهد او معتقد است مجلس دیگر نباید اجازه تصویب قانون جدید را به نمایندگان مجلس بدهد، بلکه باید در کوتاه‌ترین زمان نسبت به بروزرسانی قوانین موجود در کشور اقدام کند.

قوانینی که اجرا نمی‌شوند

از سوی دیگر، تعدد قوانین و ضدونقیض بودن آنها در ایران یک مسئله است و مسئله دیگر نحوه و ضمانت اجرای این قوانین است؛ یعنی در بسیاری از مواقع شاهد دیدگاه بخشی‌نگر از سوی نهادها نسبت به قانون هستیم که این امر تفسیر این قوانین به نفع نهاد مربوطه را دامن می‌زند.

در برخی مواقع نیز هر چند قانون ابلاغ و تصویب شده، اما اجرای آن با اماواگرهای زیادی همراه بوده است. به‌عنوان مثال، ماده ۷ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار پس از چند سال از ابلاغ آن به مرحله اجرا نرسید. در این ماده تصریح‌شده به‌منظور ساماندهی و کاهش مراجعات نمایندگان نهادهای اجرایی به واحدهای تولیدی، افزایش اعتماد متقابل میان دولت و کارآفرینان و در راستای تحقق دولت الکترونیک، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس‌جمهوری موظف است با تشکیل «کمیته ساماندهی مراجعه نمایندگان نهادهای اجرایی به واحدهای تولیدی» ضمن دعوت از نمایندگان و مراجعه نمایندگان نهادهای اجرایی به واحدهای تولیدی دستورزیان برساند. همچنین طبق این ماده قانونی تمامی نهادهای اجرایی موظف به همکاری با کمیته یادشده و اجرای تصمیمات و دستورالعمل‌های آن هستند. یا در ماده ۲۵ این قانون تصریح‌شده در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات قرار داشته باشند و شرکت‌های عرضه‌کننده برق، گاز و خدمات مخابرات موظفند هنگام عقد قرارداد با واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی، وجه‌التزام قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات را در متن قرارداد پیش‌بینی کنند. هرگاه دولت به‌دلیل کمبودهای مقطعی به شرکت‌های عرضه‌کننده برق یا گاز یا مخابرات دستور دهد موقتا جریان برق یا گاز یا خدمات مخابراتی واحدهای تولیدی متعلق به شرکت‌های خصوصی و تعاونی را قطع کنند، موظف است نحوه جبران خسارت‌های واردشده به این شرکت‌ها ناشی از تصمیم یادشده را نیز تعیین و اعلام کند. با این وجود شاهد هستیم همچنان صنایع در اولویت خاموشی‌های برق قرار دارند و بسیاری از فعالان صنعتی که از این رهگذر متضرر شده‌اند، معتقدند مشخص نیست کدام نهاد قرار است خسارت‌های آنها را جبران کند. به‌گفته ناظران حجم انبوه قوانین به اضافه عدم‌اجرای به موقع و درست آنها در پیوند با یکدیگر به تشدید مشکلات دامن زده است. به همین دلیل است که گزارش اخیر دیوان محاسبات در زمینه قوانین هفت‌گانه مرتبط با تولید نشان می‌دهد: با وجود اهمیت بالای این قانون، فقط حدود ۳۹ درصد از مفاد آن به اهداف مدنظر در تکالیف قانون رسیده و بیش از ۲۲ درصد از بندها تاکنون فاقد عملکرد بوده‌اند. همچنین براساس این گزارش مهم‌ترین دلیل عدم‌اثربخشی قانون یادشده (حدود ۹۱درصد) به ضعف اجرا و ترک فعل مسئولان مرتبط می‌شود.

کثرت قوانین مشکل اصلی نظام حقوقی

عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه تبریز با بیان اینکه کثرت قوانین یکی از مشکلات مهم نظام حقوقی ایران است، اظهار کرد: از ۱۱۲ سال گذشته سیر قانون‌گذاری در کشورمان وجود داشته و طبق آمار، در طول این سال‌ها بیش از ۱۰ هزار عنوان قانون در ایران به تصویب رسیده است.

به گزارش ایسنا، حسین فخر در نشست «آسیب‌شناسی نظام تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور» در دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، گفت: بخشی از قوانین شامل تنها یک ماده واحده و یک تبصره هستند که با احتساب این قوانین، به نظر می‌رسد آمار وجود بیش از ۱۰ هزار عنوان قانون در ایران، مبالغه‌آمیز نباشد. وی افزود: آیین‌نامه‌ها، نظامنامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی برای ارائه راه‌حل‌های اجرای قوانین مصوب تصویب شده و شامل تمامی قوانین می‌شود. فخر درباره مشکلاتی که کثرت قوانین برای نظام حقوقی ایران به وجود آورده، تشریح کرد: تسلط بر این حجم از قوانین کار بسیار دشواری است که قضات، وکلا و حتی نمایندگان مجلس را در امر قانون‌گذاری با مشکل مواجه کرده است. همچنین عدم‌شفافیت موضع قانون‌گذار در موضوعات گوناگون باعث مشکل و چالش در این زمینه شده است. فخر در ادامه گفت: ما در مواردی با قوانینی مواجه می‌شویم که نمی‌دانیم کدام قانون ناسخ و منسوخ یا کدام مقدم و موخر است. وی با اشاره به اینکه اطاله دادرسی یکی از مشکلات اصلی نهاد قضایی است، گفت: همواره مسئولان ارشد قضایی از این مشکل یاد می‌کنند که عدم‌تنقیح قوانین و کثرت قوانین و مقررات یکی از دلایل اصلی و فنی آن بحث است. این عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه تبریز، افزود: تزلزل احکام و تصمیمات از دیگر مشکلات به وجود آمده به‌دنبال کثرت قوانین است؛ به‌طوری‌که در برخی موارد درباره موضوعات مشابه و یکسان تصمیمات، احکام و دستورات قضایی مختلف صادر شده که این مشکل باعث تبعیض و ناعدالتی می‌شود. وی فقدان امنیت و ثبات حقوقی را نتیجه کثرت قوانین دانست و گفت: این موضوع زمینه‌ساز کاهش سرمایه‌گذاری اقتصادی و نبود ثبات اجتماعی و اقتصادی در کشور می‌شود. فخر با تاکید بر اینکه پیدایش گریزگاه‌های حقوقی معلول این مشکلات است، گفت: افرادی که به‌دنبال گریز از قانون هستند، با استفاده از تعدد قوانین شکاف‌هایی برای توجیه اعمال غیرمجاز و غیراخلاقی خود پیدا می‌کنند. وی با اشاره به این قاعده حقوقی که عدم‌آگاهی به قوانین توجیهی برای رفع تکلیف و وظیفه نیست، افزود: با وجود این حجم از قوانین چگونه می‌توان از مردم انتظار داشت به‌تمامی قوانین تسلط داشته و به آن عمل کنند؟ عضو هیات علمی گروه حقوق دانشگاه تبریز درباره علل تکثر قوانین در کشور، اظهار کرد: یکی از علل این تکثر، تعدد مراجع تقنین قانون در کشور ما است که باید توجه داشت تقنین در اینجا فقط شامل مصوبات مجلس شورای اسلامی نبوده و معنای عام آن موردتوجه است.

وی در ادامه تشریح کرد: طبق اصل ۷۱ قانون اساسی، صلاحیت انحصاری قانون‌گذاری بر عهده مجلس شورای اسلامی است و این موضوع حق مجلس بوده و وظیفه‌ای است که به‌واسطه رأی تک‌تک مردم، به مجلس محول شده است. وی افزود: معتقدم نمایندگان مجلس نباید از حق خود گذشته و آن را به نهادهای دیگر واگذار کنند و باید مقابل دخالت‌های ناروا، قانون‌گذاری یا شبه قانون‌گذاری نهادهای دیگر بی‌تفاوت نباشند.

فخر درباره تصویب‌های شتاب‌زده قوانین، مطرح کرد: در بسیاری از موارد دچار روزمرگی و شتاب‌زدگی در قوانین شده‌ایم و به‌جای نگاه جامع تنها برای حل مشکل کوتاه‌مدت قانون تصویب می‌کنیم.

سخن پایانی

علت این روزمرگی عدم‌آگاهی تعدادی از قانون‌گذاران به اصول و فنون قانون‌گذاری است؛ به‌طوری‌که زمانی در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس لیسانس معماری و شیمی وجود داشت. تمامی این عوامل سبب می‌شود نه‌تنها در مسیر فعالیت‌های تولیدی اخلال و مانع ایجاد شود، بلکه یکی از فاکتورهای کلیدی یعنی مشارکت اقتصادی نیز با افول مواجه شود، زیرا در این شرایط سرمایه‌گذاری توجیه‌پذیر نبوده و امکانات و نیروهای موجود در بخش خصوصی به سمت سایر فعالیت‌های غیرمولد سوق پیدا می‌کند. در این رابطه، طبق آماری که اخیرا معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی تهران ارائه داده، نسبت اشتغال یا نسبت تعداد شاغلان با جمعیت در سن کار در ایران، کم و حدود ۳۸ درصد است، در حالی‌که این رقم در کشور اندونزی حدود ۶۴ درصد است. این نسبت نشان می‌دهد چه سهمی از جمعیت در سن کار، شاغل هستند. از سوی دیگر، نرخ مشارکت اقتصادی موید نسبت جمعیت فعال به جمعیت در سن کار است و جمعیت فعال، مجموع شاغلان و بیکاران را تشکیل می‌دهد. این نرخ در اقتصاد ایران فقط ۴۴ درصد است در حالی که در دو کشور اندونزی و مالزی حدود ۶۸ درصد است. همچنین دو عامل مهم اثرگذار بر پایین بودن نرخ مشارکت اقتصادی در ایران، کم بودن نرخ مشارکت زنان و جوانان است که در قیاس با سایر کشورهای موردبررسی، ارقام بسیار پایینی را تشکیل می‌دهد.